

بررسی تأثیر توسعه بر مهاجرت مستقل زنان از استان‌های مختلف به شهر تهران با استفاده از روش ترکیبی فازی^۱

راحله زارع مهرجردی*، مجید فولادیان**، غلامرضا حسنی درمیان***، علی قاسمی اردهایی****
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۲)

چکیده

افزایش مهاجرت‌های بین‌استانی زنان، یکی از پراهمیت‌ترین تغییرات دهه‌های اخیر در حوزه مهاجرت است که تاحدزایدی از توسعه متفاوت استان‌ها نشئت می‌گیرد. براین‌اساس، این تحقیق با هدف بررسی تأثیر توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوریانه استان‌ها بر نسبت مهاجرت مستقل زنان آنها به شهر تهران، با روش تطبیقی کمی فازی انجام گرفت. بررسی سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که باوجود افزایش مهاجران زن واردشده به شهر تهران، تعداد زنان مهاجر مستقل از سایر استان‌ها به تهران کاهش یافته است. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوریانه استان‌ها با نسبت مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان‌شان به شهر تهران رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و بیشتر مهاجران زن مستقل واردشده به تهران از استان‌های توسعه‌یافته‌تر هستند؛ همچنین نسبت مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران، بیشتر تحت تأثیر توسعه‌یافتگی استان‌ها قرار دارد. نتایج تحلیل فازی نشان می‌دهد که هر دو شرط توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوریانه، از شاخص‌های سازگاری و پوشش زیادی برخوردارند و به‌عنوان شروط لازم، نسبت مهاجرت مستقل زنان را افزایش می‌دهند. همچنین ترکیب علی توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوریانه با شاخص سازگاری و قدرت تبیین تجربی زیاد، ترکیب علی کافی مهاجرت مستقل زنان به تهران می‌باشد. اشتراک فازی دو شرط نیز، به‌صورت شرط کافی با قوت نظری و تجربی زیاد، توانسته نسبت مهاجرت مستقل زنان کل استان‌ها به شهر تهران را تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت مستقل زنان، توسعه اقتصادی-اجتماعی، توسعه فناوریانه، شهر تهران، منطق فازی.

۱. این مقاله، برگرفته از پایان‌نامه دوره دکتری نویسنده نخست با عنوان «تحلیل تطبیقی تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان از استان‌های کشور به شهر تهران (با تأکید بر استان یزد)» می‌باشد.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

E-mail: rzaremehrjardi@pnu.ac.ir

** دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: fouladiyan@um.ac.ir

*** استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

E-mail: gh-hassani@um.ac.ir

**** دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

E-mail: ghasemi@pnu.ac.ir

مقدمه

مهاجرت انسان‌ها موضوعی پایدار در پژوهش‌های انسانی و اجتماعی است. در حال حاضر، به دلیل ثبات نسبی باروری و مرگ‌ومیر، نقش مهاجرت در ایجاد تغییرات جمعیتی مناطق، بیشتر شده است (ویکس^۱، ۲۰۱۲). یکی از مهمترین تغییرات جمعیت‌شناختی چند دهه گذشته ایران، شدت گرفتن جریان مهاجرت‌های داخلی و تغییر الگوی آن به سمت کاهش مهاجرت‌های روستا-شهری و درون‌استانی و افزایش مهاجرت‌های شهر به شهر و بین‌استانی است؛ به طوری که، مهاجرت‌های بین‌استانی از ۳۵ درصد مهاجرت‌های داخلی در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به ۴۰ درصد در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ رسیده است و بیشترین مبادله مهاجرتی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۰، با استان تهران و استان‌های همجوارش بوده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷). سطح مهاجرت‌های بین‌استانی طی سرشماری سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نیز چهار درصد افزایش یافته و استان تهران، از نظر مبدأ و مقصد مهاجرت‌ها، همچنان بیشترین سهم را داشته است. حتی طی سال‌های مذکور، نسبت مهاجران وارد شده به استان تهران، از ۱۸ درصد کل مهاجران خارج شده از استان‌ها به ۲۶ درصد رسیده است (هشت درصد افزایش) (زندى و همکاران، ۱۳۹۸). این موضوع بیانگر اهمیت بررسی استان تهران به عنوان مقصد مهاجران است.

در کشورهای در حال توسعه، پدیده مهاجرت‌های داخلی مسئله‌ای اجتماعی است که می‌تواند پیامدهای مثبت (کاهش نابرابری منطقه‌ای و گسترش ایده‌ها) و منفی (تراکم بیش‌ازحد جمعیت، فرار مغزها و کاهش توان اقتصادی مناطق مهاجر فرست) داشته باشد (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). بروز این پیامدها کاملاً به اوضاع جامعه بستگی دارد. بر این اساس، میشل^۲ (۱۹۸۵) بیان کرده است که به مهاجرت نه به عنوان یک پدیده، بلکه به عنوان یک فرآیند (واقعه‌ای که وقوع آن به علت بستر و موقعیتی است که مردم در آن زندگی می‌کنند)، باید توجه کرد (به نقل از لوکاس و میر، ۱۳۸۱). مهاجرت، همواره یک جزء مهم شهرنشینی، توسعه اقتصادی، و تغییرات اجتماعی به شمار می‌آید (قاسمی اردهایی و حسینی راد، ۱۳۸۷) و انعکاس مکانی تحولات اقتصادی-اجتماعی جوامع در مسیر توسعه است (بل و همکاران، ۲۰۰۲؛ زنجانی، ۱۳۸۰). انتظارات فردی شکل‌دهنده مهاجرت، مانند امکان دستیابی به شغل،

درآمد و مسکن، نیز از محیط اقتصادی-اجتماعی بزرگ‌تر ناشی می‌شود (بل^۱ و همکاران، ۲۰۰۲)؛ از این رو، بررسی عوامل کلان مهاجرت، مثل توسعه مناطق، در درک فرایندهای مهاجرتی تعیین‌کننده است.

توسعه نابرابر، از بسترهای کلیدی شکل‌گیری جریان‌های مهاجرت‌های داخلی کشورهای درحال توسعه، مانند ایران، است. توسعه، برخلاف رشد اقتصادی، پدیده‌ای کیفی است و ابعاد گوناگون زندگی انسان را دربر می‌گیرد و تجدید سازمان کل نظام اقتصادی-اجتماعی را در خود به همراه دارد. بنابراین، بهترین مفهومی که می‌توان برای توسعه در نظر گرفت، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (هادر^۲، ۲۰۰۰). در ایران، توزیع منابع توسعه (منابع مالی و انسانی، مواد اولیه و ساختار تولید، شبکه‌های ارتباطی و...) در بین مناطق گوناگون یکسان نیست و نابرابری، ویژگی آشکار توسعه منطقه‌ای ایران است (شیخ‌بیگلو و تقوایی، ۱۳۹۱؛ زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نسترن و همکاران، ۱۳۹۴). این نابرابری باعث شده است توسعه‌یافته‌ترین استان‌های کشور (تهران، اصفهان، یزد و سمنان) بیشترین میزان مهاجرت‌پذیری را داشته باشند. در مقابل، بهره‌مندی استان‌های مرزی از منابع توسعه، بسیار کم است و این استان‌ها کمترین میزان مهاجرت‌پذیری را دارند (صادقی و شکریانی، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش‌های گلیم و میلر^۳ (۱۹۹۴)، فان^۴ (۱۹۹۶)، هیپفل^۵ و همکاران (۲۰۰۳)، دی‌هاس^۶ (۲۰۰۵)، وارثی و سروری (۱۳۸۵)، محمودیان و مشفق (۱۳۸۷)، یاسوری (۱۳۸۸)، عسگری ندوشن و همکاران (۱۳۹۵)، قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۶)، حسینی و همکاران (۱۳۹۷)، زندی و همکاران (۱۳۹۸)، و شهبازین و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که نابرابری در توسعه اجتماعی-اقتصادی مناطق از تعیین‌کننده‌های اساسی مهاجرت‌های داخلی است و مهاجرت پدیده‌ای جدانشدنی از توسعه است.

یکی از پراهمیت‌ترین تغییرات چند دهه اخیر در حوزه مهاجرت، زنانه‌شدن مهاجرت یا به عبارتی افزایش مهاجرت زنان، به‌ویژه مهاجرت مستقل آنان، است (هوگو^۷، ۱۹۹۳). ورود

1. Bell
2. Hadder
3. Glem & Miller
4. Fan
5. Hipfel
6. De Haas
7. Hugo

بیشتر زنان به جریان‌های مهاجرت، یکی از مهمترین تغییراتی است که از توسعه نشئت می‌گیرد. در جهان امروز، برخلاف گذشته که مردان بر جریان‌های مهاجرت تسلط داشتند، تقریباً نیمی از مهاجران را زنان تشکیل می‌دهند (زلوتنیک^۱، ۲۰۰۳) و با افزایش مهاجرت مستقل زنان به‌عنوان درآمدزای اصلی، به‌جای پیروی از مردان، الگوهای مهاجرت نیز تغییر کرده است (مارتین^۲، ۲۰۰۵). از این‌رو، محققان و سیاست‌گذاران، دیگر نتوانستند نیمی از مهاجران جهان را نادیده بگیرند و از اواسط دهه ۱۹۸۰، در پژوهش‌ها بر زنان مهاجر تمرکز گردید (اورتسنی^۳، ۲۰۱۵).

افزایش سطح تحصیلات زنان و تغییر نگرش نسل جوان نسبت به نقش زن در ایران، باعث شده که زنان برای دستیابی به پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر، نسبت به گذشته، بیشتر تلاش کنند. از آنجایی که مهاجرت یکی از راهبردهای اساسی زنان برای تحرک اجتماعی است، در سال‌های اخیر، درصد زنان در مهاجرت‌های داخلی کشور افزایش چشم‌گیری یافته است. بررسی سرشماری‌های ایران نیز نشان می‌دهد که درصد مهاجرت زنان رشد چشم‌گیری داشته و از ۴۵ درصد در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به ۴۸ درصد در دهه ۱۳۹۰-۱۳۸۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ نیز نشان می‌دهد که زنان ۴۸/۶ درصد از کل مهاجران جابه‌جا شده کشور در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ را تشکیل داده‌اند، سهم‌شان در مهاجرت‌های بین‌استانی به ۴۷/۶ درصد و در مهاجرت‌های درون‌استانی به ۵۰/۴ درصد رسیده، و حضورشان در انواع جریان‌های مهاجرتی نسبتاً برابر با مردان شده است (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷). توزیع نسبی زنان مهاجر کشور بر حسب دلیل مهاجرت نیز نشان می‌دهد که درصد زنان مهاجر مستقل، یعنی زنانی که به‌صورت غیرتبعی و برای جست‌وجوی کار یا کار بهتر، تحصیلات، انتقال شغلی و دسترسی به مسکن مناسب‌تر مهاجرت می‌کنند، از ۲۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۶) که نشان می‌دهد درصد مهاجرت مستقل زنان در این دوره پنج‌ساله، ۶/۴ درصد افزایش یافته است. این نتایج، حاکی از آن است که الگوی سنتی مردگزینی مهاجرت کشور، که در آن زنان به پیروی از مردان مهاجرت می‌کردند، روبه‌تغییر

1. Zlotnik
2. Martin
3. Ortensi

بوده و الگوی جدیدی از زنانه‌شدن مهاجرت در حال تکوین است. براین اساس، تعداد زنانی که به صورت غیرتبعی یا مستقل مهاجرت می‌کنند، در حال افزایش است. در مهاجرت‌ها، زنان بیش از مردان در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند (پایپر^۱، ۲۰۰۳؛ جولی و ریوس، ۲۰۰۵). به عبارتی، با وجود اینکه مهاجرت می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان گردد، در عین حال، با در نظر گرفتن آسیب‌های اجتماعی که گسترش مهاجرت زنان به همراه دارد، می‌تواند مسئله‌سازترین شکل مهاجرت باشد. بنابراین، بررسی مهاجرت مستقل زنان در کشور و شناخت عوامل تأثیرگذار بر آن، از اهمیت شایانی برخوردار است. افزایش مهاجرت زنان و تحولات فرایندهای توسعه‌ای کشور در چند دهه اخیر و نبود یک بررسی تطبیقی درباره تأثیر توسعه بر مهاجرت مستقل زنان در بین استان‌های کشور باعث شد تا در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤال‌ها باشیم: نسبت مهاجرت زنان استان‌ها به شهر تهران، طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ و نسبت مهاجرت مستقل زنان آنها به شهر تهران، طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۰ چه تغییری کرده است؟ آیا بین نسبت مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران و میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری آنها همبستگی وجود دارد؟

چارچوب نظری

از نظر بسیاری از محققان، مهاجرت در پاسخ به دامنه گسترده‌ای از عوامل رخ می‌دهد (مسی^۲ و همکاران، ۱۹۹۳؛ ری‌رات^۳، ۲۰۱۶). بنابراین، برای بررسی فرضیه‌های تحقیق مبنی بر اینکه بین مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان از استان‌ها به شهر تهران و میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری آنها رابطه وجود دارد، تلفیقی از رویکردهای تعادل، وابستگی، جاذبه و دافعه (نظریه‌های راونشتاین^۴، دی.اس.توماس^۵، اورت.اس.لی^۶ و میجر)، سرمایه انسانی و دیدگاه‌های اقتصادی جدید به عنوان چارچوب نظری تحقیق به کار گرفته شده است.

1. Piper
2. Massey
3. Rerat
4. Ravenstein
5. D. S. Thomas
6. Everett. S. Lee

از نظر راونشتاین (۱۸۸۹)، مهاجران اشخاصی هستند که به‌طور عقلایی برای دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر، برانگیخته می‌شوند (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۰) و عوامل جاذب اجتماعی-اقتصادی و فیزیکی مقصد باعث ترغیب آنها به مهاجرت می‌شود. راونشتاین، انگیزه اقتصادی را از تمام عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری به مهاجرت، قوی‌تر می‌داند (تودارو^۱، ۱۳۶۷) و معتقد است که زنان بیشتر از مردان مهاجرت می‌کنند (لوکاس و میر^۲، ۱۳۸۱: ۱۴۹). دی. اس. توماس (۱۹۴۱) نیز در تبیین مهاجرت بر نبود تعادل اجتماعی-اقتصادی مبدأ و مقصد متمرکز شده و معتقد است تازمانی که عوامل دافعه مبدأ پابرجا هستند و عوامل جاذبه مقصد افزایش می‌یابند، روند مهاجرت ادامه می‌یابد. اورت. اس. لی (۱۹۶۶) تصمیم به مهاجرت را متأثر از چهار عامل، یعنی عوامل دفع‌کننده مبدأ، عوامل جذب‌کننده مقصد، موانع مداخله‌گر و عوامل ویژه فردی مهاجر، می‌داند. وی معتقد است در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت به وجود می‌آید و در صورتی که عوامل شخصی و موانع، تمایل را از بین ببرند، مهاجرت اتفاق می‌افتد. از نظر لی، عوامل دفع مبدأ، نقش مهم‌تری از عوامل جاذب مقصد دارند (تودارو، ۱۳۶۷). میجر نیز در تبیین مهاجرت‌های بین‌منطقه‌ای، به عوامل جاذبه و دافعه مبدأ و مقصد همچون درآمد سرانه، درصد بیکاران، درجه شهرنشینی، امکانات گذران اوقات فراغت و کیفیت مسکن توجه کرده است (همان). از نظر صاحب‌نظران دیدگاه وابستگی، مهاجرت امری اجباری است که عمدتاً بر اساس نابرابری توسعه مناطق به وجود می‌آید و علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از اثراتش جدا کرد؛ زیرا مهاجرت از یک طرف معلول توسعه نابرابر و از طرف دیگر، عامل گسترش توسعه نابرابر است (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۵).

نظریه اقتصاد نئوکلاسیک یا تعادل، مهاجرت را استراتژی فردی برای به‌حداکثر رساندن سودمندی می‌داند و در چارچوب اصل اقتصادی «عرضه و تقاضا» به تبیین جریان‌های مهاجرت می‌پردازد. نظریه‌پردازان این دیدگاه معتقدند که مهاجرت تابعی از تفاوت بین مناطق در میزان واقعی دستمزدها و اشتغال است و بین انگیزه‌های مهاجرت زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد و بیشتر زنان نیز مانند مردان برای بهتر شدن وضعیت اقتصادی‌شان مهاجرت می‌کنند (چانت و رادکلیف^۳، ۱۹۹۲). از نظر پژوهشگران حقوق زنان، مهاجرت با جنسیت،

-
1. Todaro
 2. Lucas & Meyer
 3. Chant & Radcliffe

نقش‌های جنسیتی و روابط قدرت ارتباط محوری دارد (سیلوری^۱، ۲۰۰۴). این پژوهشگران با رویکردهای ساختاری و رفتاری به تبیین مهاجرت زنان پرداخته‌اند. نظریه‌پردازان ساختاری بر تغییرات ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به‌عنوان تعیین‌کننده‌های مهاجرت زنان، تأکید می‌کنند و معتقدند که وجود ساختار نابرابر جنسیتی که در آن به حقوق زنان توجهی نمی‌شود، مانند نابرابری و تبعیض در بازار کار، بستر مهاجرت زنان را فراهم می‌کند. نظریه‌پردازان رفتاری معتقدند که زنان و مردان تحت تأثیر ایدئولوژی‌های تعیین‌کننده نقش‌های جنسیتی به مهاجرت اقدام می‌کنند (چانت و رادکلیف، ۱۹۹۲). این رویکرد به مهاجرت زنان، به‌عنوان عاملی که فرصت‌های جدیدی برای ارتقاء زندگی آنها فراهم می‌کند، تأکید می‌کند و نظریه‌پردازان آن، تأکید زیادی بر محدودیت تحرک زنان دارند و معتقدند آنچه مهاجرت زنان را به مسئله اجتماعی تبدیل می‌کند، وجود مشکلات اقتصادی-اجتماعی زنان مهاجر نیست؛ بلکه وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نابرابر جنسیتی است (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸).

درحالی‌که نظریه‌های ساختاری و اقتصاد کلان به تأثیر توزیع متفاوت نهادهای اجتماعی-اقتصادی در مناطق بر مهاجرت افراد می‌پردازند، نظریه سرمایه انسانی، چگونگی تصمیمات مهاجرتی افراد در این ساختار را توضیح می‌دهد (لهسای زاده، ۱۳۶۸: ۲۲۳). در چارچوب سرمایه انسانی، هر مهاجر بالقوه، در صورتی که منافع بالقوه مقصدش منهای هزینه‌های مهاجرتش، از منافع حاصل از ماندنش در مبدأ بیشتر باشد، مهاجرت می‌کند (سجااستاد^۲، ۱۹۶۲: ۸). تأکید زیاد نظریه‌های نئوکلاسیک بر احتمال پیدا کردن شغل و دستمزدهای بیشتر و بی‌توجهی به سایر عوامل، باعث طرح نظریه‌های اقتصادی جدید مهاجرت شده است (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۲۲). یوتنگ^۳، در چارچوب این نظریه‌ها، در رابطه با انگیزه‌های مهاجرت زنان، فرضیه استراتژی دسترسی را مطرح کرده است. به نظر او، در کشورهای درحال توسعه، دسترسی، پدیده‌ای جنسیتی است و شامل تمامی زیرمجموعه‌ها می‌شود و مهاجرت، استراتژی شناخته‌شده زنان برای دستیابی به امتیازهای اجتماعی است (یوتنگ^۳، ۲۰۱۲). از دیدگاه استراتژی‌های خانوار نیز ساختار قدرت در خانواده و سلسله‌مراتب اجتماعی-فرهنگی جامعه،

1. Silvery
2. Sjaastad
3. Uteng

معمولاً از مهاجرت زنان جلوگیری می‌کند (چانت و رادکلیف، ۱۹۹۲). بویاد و گرایکو^۱ (۲۰۰۳) نیز در تئوری جنسیتی‌شان در فرایند مهاجرت، سه مرحله قبل مهاجرت، انتقالی و تجربه مهاجران در مقصد را متمایز کردند که نقش‌ها، روابط و سلسله‌مراتب جنسیتی بر آنها تأثیرگذارند. از نظر آنها، در مرحله قبل مهاجرت، عوامل کلان و سیستمی همچون اقتصاد ملی، همراه با عوامل فردی و خرد همچون مرحله جنسیتی چرخه زندگی باعث شکل‌گیری تصمیمات مهاجرتی می‌شوند. آنها، این عوامل مؤثر بر مهاجرت زنان را به سه حوزه سلسله مراتب و روابط جنسیتی خانواده، نقش‌ها و جایگاه جنسیتی در یک بستر اجتماعی-فرهنگی خاص، و ویژگی‌های ساختاری مبدأ تقسیم کرده‌اند. در مرحله انتقالی، سیاست‌های مهاجرتی بر مهاجرت جنسیتی شده تأثیر می‌گذارند و در این سیاست‌ها معمولاً زنان به‌عنوان تابع، در مقصد ساکن و سازگار می‌شوند.

پیشینه تحقیق

بررسی مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد باینکه زنان، برخلاف چند دهه پیش، بیشتر مهاجرت می‌کنند و همراهی‌کننده صرف خانواده‌شان نیستند، در ادبیات مهاجرت چندان به آنان پرداخته نشده است. به‌گفته بنوای^۲ (۲۰۰۶)، حوزه جنسیت و مهاجرت از موج دوم فمینیسم مورد توجه قرار گرفته است (به‌نقل از محمودیانی و محمودیان، ۱۳۹۷)؛ بنابراین، در این بخش، ابتدا پژوهش‌هایی که رابطه مهاجرت با توسعه را بررسی کرده‌اند، ارائه شده و در ادامه، به پژوهش‌های اندکی که تأثیر توسعه بر مهاجرت زنان را بررسی کرده‌اند، پرداخته شده است. بر اساس نتایج پژوهش‌های ونک و هاردسی^۳ (۱۹۹۳)، باور فان (۱۹۹۶)، هانتر^۴ و همکاران (۲۰۰۳)، و دی‌هاس (۲۰۰۵)، تفاوت درآمد و رفاه، و نابرابری در توسعه اجتماعی-اقتصادی مناطق، عامل اصلی مهاجرت‌های بین منطقه‌ای است. به‌عقیده باش^۵ (۲۰۰۷)، تولید ناخالص داخلی بیشتر در ایالت محل زندگی، مهاجرت فارغ‌التحصیلان را کاهش می‌دهد. به‌عقیده بونا^۶

1. Boyd & Grieco
2. Benway
3. Wenk & Hardesty
4. Hunter
5. Busch
6. Bunea

(۲۰۱۲)، اندازه جمعیت، تولید ناخالص سرانه، شاخص رفاه (زیرساخت‌های آب و فاضلاب، گاز و...)، تراکم جاده و نرخ جرم، از نقطه نظر ایستا و نسبت مهاجرت قبلی و اندازه جمعیت و شاخص رفاه، از نقطه نظر پویا، تأثیر چشم‌گیری بر نرخ مهاجرت‌های داخلی رومانی داشته‌اند. ری‌رات (۲۰۱۶) نشان داد که گرچه مهمترین انگیزه مهاجرت فارغ‌التحصیلان سوئیسی فرصت‌های شغلی می‌باشد، ترکیبی از چهار مؤلفه فرصت‌های شغلی و بازار کار فعلی و آینده، عناصر مالی، زندگی اجتماعی و امکانات مسکونی، بر مهاجرت آنها تأثیر می‌گذارد و ۶۲/۴ درصد واریانس تصمیم به مهاجرت‌شان را توضیح می‌دهد. پیراس^۱ (۲۰۱۷) معتقد است که متغیرهای اقتصادی کلان و جاذبه‌های اقتصادی مقصد، مانند یافتن مسکن و شغل مناسب و وجود فرصت‌های اقتصادی و مشاغل جدید، عامل اصلی مهاجرت‌های بین‌منطقه‌ای هستند.

طبق نتایج پژوهش‌های وارثی و سروری (۱۳۸۵) و قرخلو و حبیبی (۱۳۸۵)، مهاجرت‌های استانی به توان‌های محیطی بستگی ندارد؛ بلکه با چگونگی توزیع امکانات توسعه‌ای رابطه دارد. از نظر محمودیان و مشفق (۱۳۸۷)، نابرابری‌های درآمدی و افزایش ارتباطات بین‌منطقه‌ای، نقش اساسی در شکل‌دهی نظام مهاجرتی ایران دارند. بر اساس نتایج مطالعات قاسمی اردهایی و حسینی راد (۱۳۸۷) و نوراللهی (۱۳۸۹)، در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵، بر شدت مهاجرت از شهرهای کوچک‌تر و کمتر توسعه‌یافته به شهرهای بزرگ‌تر و توسعه‌یافته‌تر افزوده شده است و مراکز استان، به‌ویژه شهر تهران، مهمترین مقصد مهاجران است. طبق نتایج پژوهش مشفق (۱۳۸۹)، طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۵، استان‌هایی که دارای درآمد سرانه، اشتغال، سرمایه انسانی و تراکم جمعیتی بیشتر بودند، دارای موازنه مهاجرتی مثبت و ضریب ترجیح مکانی مهاجرتی بیشتر بودند.

میرزاصطفی و قاسمی (۱۳۹۲) و راعی و همکارانش (۱۳۹۴) بیان کردند که طی دوره‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۱۳۹۰-۱۳۸۵، مهاجرت‌های استانی ایران بر اساس مدل جاذبه توجیه‌شدنی است و متغیرهای جمعیت، نرخ بیکاری، میزان شهرنشینی، تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت و فاصله جغرافیایی استان‌های مبدأ و مقصد، با جریان مهاجرت ارتباط داشته‌اند. مهاجران به دنبال درآمد بیشتر بودند و به استان‌هایی با نرخ بیکاری کمتر مهاجرت می‌کردند. صادقی و شکریانی (۱۳۹۵) بیان کردند میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها با شدت

مهاجرپذیری‌شان رابطه مثبت و با شدت مهاجرفرستی‌شان رابطه منفی دارد. بر اساس نتایج پژوهش عسکری ندوشن و همکارانش (۱۳۹۵)، شاخص‌های کلیدی توسعه، نظیر درصد شاغلان بخش صنعت و خدمات، نسبت بیکاری و میزان باسوادی، با نسبت مهاجرپذیری شهرستان‌ها ارتباط نزدیک دارند و بهره‌مندی از اشتغال و تحصیلات مهم‌ترین عوامل مهاجرپذیری شهرستان‌ها است. تفاوت سطح توسعه شهرستان‌ها، بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را در مهاجرت‌های بین‌استانی دارد تا مهاجرت‌های درون‌استانی. حسینی و همکارانش (۱۳۹۵) بیان کردند که در سرشماری سال ۱۳۹۰، متغیرهای رشد جمعیت و نرخ بیکاری با میزان خالص مهاجرت رابطه داشته و بیش از ۵۸ درصد تغییرات آن را تبیین کرده‌اند؛ نرخ بیکاری، اثر معکوس و رشد جمعیت اثر مثبت داشته است. قاسمی اردهایی و همکارانش (۱۳۹۶) با تحلیل نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان دادند که مهم‌ترین علت مهاجرت‌های داخلی ایران پیروی از خانوار است و احتمال وقوع مهاجرت‌های تبعی و اقتصادی به سطح توسعه‌یافتگی مقصد بستگی دارد. همچنین مهاجرت‌های اقتصادی، بیشتر به سوی مناطق توسعه‌یافته و کلان‌شهرها، و مهاجرت‌های تبعی بیشتر به سمت مناطق روستایی و شهرهای کوچک انجام می‌گیرد. حسینی و همکارانش (۱۳۹۷) نشان دادند که طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۰ نابرابری در توسعه‌یافتگی استان‌ها بر جریان مهاجرتی بین‌استانی و الگوهایش تأثیرگذار بوده و نوعی همبستگی بین توسعه و مهاجرت بین‌استانی به سمت استان‌های توسعه‌یافته‌تر وجود دارد. همچنین اکثر مهاجرت‌ها به مقصد استان‌های تهران یا استان‌های مجاور مبدأ صورت گرفته‌اند. طبق یافته‌های پژوهش زندی و همکارانش (۱۳۹۸)، ساختار فضایی مهاجرت‌های داخلی ایران، متأثر از الگوی نامتوازن توسعه استان‌ها است و هر استان بیشترین تعامل مهاجرتی را با استان‌های همسایه خود، که از سطح توسعه‌یافتگی بالاتری نیز برخوردارند، دارند. شهبازین و همکارانش (۱۴۰۰) با بررسی پژوهش‌های مهاجرت داخلی سه دهه اخیر ایران نشان دادند که توسعه نابرابر، تمرکزگرایی امکانات و فرصت‌های اقتصادی و آموزشی، تغییرات اقلیمی، تفاوت‌های درآمدی، دستیابی به شغل، و شبکه‌های اجتماعی، مهم‌ترین عوامل مهاجرت داخلی می‌باشند.

به عقیده دشینگ‌کار و گریم^۱ (۲۰۰۵)، امروزه برخلاف دهه‌های قبل، زنان بیشتری مهاجرت می‌کنند و عده‌ای برای انگیزه‌های اقتصادی مثل جستجوی کار یا کار بهتر مهاجرت می‌کنند و تعدادی هم دارای انگیزه‌های غیراقتصادی، مثل فرار از کنترل‌های اجتماعی یا پیش‌داوری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مبدأ، هستند. بر اساس نتایج پژوهش کوینلان^۲ (۲۰۰۵)، دختران هندی برای به دست آوردن فرصت‌های اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و ازدواج بهتر مهاجرت می‌کنند. رامیرز^۳ (۲۰۰۹) مهمترین دلیل مهاجرت زنان همسر دار مکزیکی را فرصت‌های اقتصادی بهتر مقصد می‌داند. از نظر استکلو^۴ و همکارانش (۲۰۱۰)، در آلبانی، غلبه مردان بر جریان‌های مهاجرتی نسبت به زنان، ناشی از نابرابری‌های سطح کلان (ساختارهای جامعه) و سطح خرد (درون خانوار) است. از نظر فرن^۵ و همکارانش (۲۰۱۴) اشکال مختلف تبعیض مبتنی بر جنسیت، از جمله ازدواج زودهنگام، ختنه زنان، تابوهای اجتماعی جنسیتی یا پتانسیل خشونت جنسیتی، باعث مهاجرت می‌شوند و نهادهای اجتماعی تبعیض‌آمیز، نقش مهمی در مهاجرت زنان بازی می‌کنند (به نقل از فلوری^۶، ۲۰۱۶).

بر اساس نتایج پژوهش محمودیان و همکارانش (۱۳۸۸)، جستجوی کار، دستیابی به شغل بهتر، یافتن همسر مناسب و رهایی از مشکلات تجرد، انگیزه‌های مهاجرت زنان مهاجر دارای تحصیلات دانشگاهی در تهران است. حسن‌پور فرد (۱۳۸۹)، نشان داد که برای زنان، عوامل اجتماعی-فرهنگی، چه در قالب جاذبه‌های مقصد و چه در قالب دافعه‌های مبدأ، از عوامل اقتصادی مهمترند؛ درحالی‌که برای مردان، عوامل اقتصادی، اهمیت بیشتری دارند. میرزایی و قاسمی اردهایی (۱۳۹۴) بیان کردند که زنان، در مهاجرت‌های داخلی نقش مهمی دارند. بیشتر زنان مهاجر، در دامنه سنی ۲۹-۲۰ ساله قرار دارند و سهم‌شان در جریان مهاجرت‌های روستا-شهری بیشتر است. زنان در انتخاب استان مقصد، الگوی متفاوتی از مردان دارند. آنها، بیشتر، تهران را انتخاب می‌کنند و از استان‌های محروم‌گريزانند. زنان به‌غیر از عامل پیروی از مردان، بیشتر برای تحصیل مهاجرت می‌کنند و مهاجرت‌شان موقتی و تحمیلی است. اعظم‌آزاده و

-
1. Deshingkar & Grimm
 2. Quinlan
 3. Ramirez
 4. Stecklov
 5. Ferrant
 6. Fleury

مشتاقیان (۱۳۹۴) معتقدند ارزیابی نابرابری منطقه‌ای در فرصت‌های ادامه تحصیل و مهارت‌آموزی، اشتغال و ازدواج، بر تصمیم بازنگشتن دختران دانشجو تأثیر دارد. صادقی و ولدوند (۱۳۹۲ و ۱۳۹۴) بیان کردند که در سرشماری سال ۱۳۹۰، مردان، همچنان حضور بیشتری در فرایند مهاجرت داشته‌اند؛ ولی در دو دهه اخیر، سهم زنان افزایش یافته است. زنان، انگیزه‌های مهاجرتی متفاوتی از مردان دارند و یک‌سوم آنها به دلایلی غیر از تبعیت از خانوار مهاجرت کرده‌اند. محمودیان و محمودیانی (۱۳۹۷) نشان دادند با وجود اینکه مهاجرت در ایران، در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ مانند گذشته، سن‌گزین و جنس‌گزین است و همچنان غلبه با مردان و جوانان ۱۵ تا ۳۴ ساله بوده، ولی در سال ۱۳۹۵، درصد مهاجران زن ۲۰ تا ۲۹ ساله بیشتر از درصد مشابه مردان شده و زنان در مهاجرت‌های درون‌استانی بر مردان غلبه کرده‌اند.

نتایج پژوهش‌های ذکر شده نشان می‌دهند که در ایران، سهم زنان در مهاجرت‌های داخلی روبه‌افزایش است؛ اما تنها در اندکی از مطالعات، به بررسی مهاجرت زنان به‌طور خاص پرداخته شده است و در هیچ مطالعه‌ای به بررسی تطبیقی استان‌ها در زمینه مهاجرت مستقل زنان و ارتباط آن با توسعه‌یافتگی استان‌ها پرداخته نشده است. بنابراین، مطالعه پیش رو درصدد است تا این موضوع را بررسی نماید. همچنین از آنجایی که در علوم اجتماعی، علت‌ها به شکل ترکیبی عمل می‌کنند و باعث به‌وجود آمدن یک واقعه می‌شوند (ریگین، ۱۳۹۴)، در این مطالعه، علاوه بر بررسی تأثیر مؤلفه‌های توسعه به صورت جداگانه، با استفاده از رویکرد فازی، تأثیر ترکیبی آنها بر مهاجرت مستقل زنان نیز بررسی شده است.

روش تحقیق و داده‌ها

در این تحقیق، برای به‌دست آوردن درصد و نسبت‌های مهاجرت، ابتدا از مرکز آمار ایران درخواست شد تا داده‌های مهاجرت لازم را بر اساس چهار مؤلفه مبدأ (هر کدام از استان‌ها)، مقصد (شهر تهران)، جنس و علت مهاجرت، از سرشماری سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ استخراج نماید. اما با توجه به اینکه در سرشماری سال ۱۳۹۵ علت مهاجرت پرسیده نشده است، برای این دوره، تنها درصد و نسبت مهاجرت زنان محاسبه شده است. در محاسبه درصد و نسبت مهاجرت زنان، همه زنان مهاجر در نظر گرفته شده‌اند؛ ولی برای محاسبه درصد و نسبت مهاجرت مستقل زنان، تنها زنانی در نظر گرفته شدند که به دلایلی غیر از تبعیت خانوار،

یعنی به دلیل جست‌وجوی کار یا کار بهتر، تحصیلات، انتقال شغلی، دسترسی به مسکن مناسب‌تر و سایر موارد، مهاجرت کرده‌اند. سپس، با بررسی جدیدترین ارزیابی‌های رتبه‌بندی توسعه استان‌ها، نتایج دو پژوهش (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۶ و فولادیان و همکاران، ۱۳۹۷) انتخاب شد که بر اساس داده‌های سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و وزارتخانه‌های صنعت و معدن و بهداشت، استان‌های کشور را از لحاظ توسعه رتبه‌بندی کرده‌اند. در پژوهش فتح‌اللهی و همکارانش (۱۳۹۶)، برای تعیین سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌ها، ۳۷ شاخص کلیدی توسعه، شامل شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی-آموزشی، بهداشتی-درمانی، جمعیتی و زیربنایی-مسکن، استفاده شده است. میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌ها نیز با روش آنالیز تاکسونومی عددی^۱ که از پیچیده‌ترین تکنیک‌های سطح‌بندی است و توانایی تلفیق شاخص‌های متعدد و رتبه‌بندی استان‌های همگن را دارد، تعیین شده است. در پژوهش فولادیان و همکارانش (۱۳۹۷)، برای سنجش میزان توسعه فناورانه استان‌ها که به معنای میزان به‌کارگیری روش‌ها و وسایل پیشرفته فنی در فرایند تولید استان است، ابتدا کدهای دو رقمی ISIC^۲ که نشان‌دهنده مجموعه فعالیت‌های اقتصادی است، به چهار متخصص و مسئول عرصه صنعت داده شد تا فعالیت‌ها را از نظر سطح فناوری به سطوح پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی کنند. پس از محاسبه ضرایب همه واحدهای صنعتی استان‌ها، نمره میزان توسعه فناورانه هر استان به دست آمد و با تقسیم آن بر جمعیت هر استان، شاخص استاندارد سرانه توسعه فناورانه هر استان محاسبه شد.

در مرحله بعد، با استفاده از روش‌های همبستگی و رگرسیون خطی، به بررسی ارتباط میان میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناورانه استان‌ها (که بر اساس اطلاعات سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ استان‌ها به دست آمده است) با نسبت‌های مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران در سرشماری ۱۳۹۰ پرداخته شد. در نهایت، با استفاده از روش تحلیل فازی، رابطه

1. Numerical Taxonomy Analyze

۲. یک طبقه‌بندی مرجع برای طبقه‌بندی همه فعالیت‌های اقتصادی است که کمیسیون اجتماعی-اقتصادی سازمان ملل متحد تأیید کرده است.

بین میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوریانه استان‌ها با نسبت مهاجرت مستقل زنان‌شان به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰، بررسی گردید.

روش تطبیقی ترکیبی فازی، بر اساس حضور و غیاب همه علت‌ها در مقابل حضور یا غیاب متغیر وابسته، در جدول ارزش‌گذاری انجام می‌شود تا عوامل و ترکیب‌های علی که باعث به‌وجودآمدن یک واقعه می‌شوند، شناسایی شوند. واسنجش^۱ مجموعه‌های فازی، سه مجموعه‌ای کردن واحدهای بررسی‌شده در مجموعه مرجع است که شامل مجموعه واحدهای دارای ویژگی مدنظر، مجموعه واحدهای فاقد ویژگی مدنظر، و مجموعه واحدهایی که در بین این دو قرار می‌گیرند، می‌شود. براین اساس، نقطه شروع هر واسنجش مجموعه‌ای، آشکار کردن مجموعه هدف است. تعیین کردن تکیه‌گاه‌ها و واسنجش مجموعه‌های فازی بر اساس شناخت یا دانش نظری صورت می‌گیرد (ریگین^۲، ۱۳۹۴).

در این تحقیق، توابع عضویت فازی متغیرهای مورد بررسی (متغیر نتیجه و شروط علی)، با استفاده از داده‌های موجود و با روش واسنجش تعیین شد. برای تعیین توابع عضویت، ابتدا یک بانک داده مادر، از داده‌های کمی گردآوری‌شده، تشکیل شد و سپس با توجه به تحلیل‌های آماری مربوط به نوع‌شناسی و خوشه‌بندی موارد و با استفاده از دانش محتوایی، نقاط برش تعیین گردید. دراین راستا، به‌منظور واسنجش اثر میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوریانه استان‌ها بر نسبت مهاجرت مستقل زنان‌شان به شهر تهران، برای هر شاخص با توجه به مجموعه هدف، سه تکیه‌گاه کیفی نقاط عضویت کامل، تقاطع و عدم عضویت کامل تعیین شد که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است. به‌این ترتیب، مقیاس‌های کمی مرسوم، به نمرات فازی تبدیل شد و تحلیل‌های فازی بر اساس آن صورت پذیرفت. به‌عبارتی، پس از تعیین این نقاط برای شروط علی و متغیر نتیجه، با استفاده از نرم‌افزار آنالیز تطبیقی کیفی با مجموع فازی^۳، توابع عضویت فازی و شروط واسنجی برای متغیر نتیجه و شروط علی به نرم‌افزار داده شد و با محاسبه نمرات فازی توسط نرم‌افزار، با ایجاد الگوریتم صدق و کذب فازی، ترکیب‌های ممکن شرایط علی در بین موارد به‌دست آمد. سپس با کمک این نرم‌افزار به توصیف و تبیین روابط زیرمجموعه‌ای (شروط لازم و کافی) پرداخته شد. در ابتدا، برای همه

1. Calibration
2. Ragin
3. FS/QCA

استان‌ها، شروط علی منفرد مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران بررسی شد و سپس به بررسی علیت‌های ترکیبی پرداخته شد. در این تحقیق، سطح تحلیل، کشور و واحدهای تحلیل و مشاهده، استان‌ها بودند.

جدول ۱: نقاط برش متغیرها برای تعیین توابع عضویت فازی

متغیر	مجموعه هدف	حداقل	حداکثر	نقطه عضویت کامل	نقطه تقاطع	نقطه عدم عضویت کامل
مهاجرت مستقل زنان	عضویت در مجموعه استان‌های واجد مهاجرت مستقل زنان	۰/۱۹	۳/۲۴	۰/۶	۱	۲/۵
توسعه اقتصادی-اجتماعی	عضویت در مجموعه استان‌های واجد توسعه اقتصادی-اجتماعی	۰/۰۰۷	۰/۴۲۷	۰/۰۸	۰/۱۷	۰/۳۰
توسعه فناوریانه	عضویت در مجموعه استان‌های واجد توسعه فناوریانه	۳۷/۸	۳۰۲/۷۵	۴۰	۷۰	۱۹۰

یافته‌ها

در این قسمت، بر اساس داده‌های استخراج شده از سرشماری سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، درصد و نسبت مهاجرت^۱ و مهاجرت مستقل^۲ زنان از استان‌ها به شهر تهران محاسبه شد و با یکدیگر مقایسه گردید. در نهایت، نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، به‌عنوان آخرین سرشماری که در آن علت‌های مهاجرت پرسیده شده است و امکان استخراج نسبت مهاجرت مستقل زنان از آن وجود دارد، مبنای بررسی فرضیات این تحقیق (بین نسبت‌های مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران و میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوریانه آنها رابطه وجود دارد) قرار گرفت. سپس، رابطه نسبت‌های مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان در سرشماری سال ۱۳۹۰ با میزان‌های توسعه استان‌ها (که بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ و

۱. در محاسبه درصد و نسبت مهاجرت زنان، همه زنان مهاجر که شامل زنان مهاجر تبعی و مستقل هستند، در نظر گرفته شده‌اند.

۲. در محاسبه درصد و نسبت مهاجرت مستقل زنان، تنها زنانی که به دلایلی غیر از تبعیت خانوار مهاجرت کرده‌اند، در نظر گرفته شده‌اند.

داده‌های کمی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ استان‌ها، محاسبه شده‌اند) با استفاده از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون و تحلیل فازی بررسی شد.

در جدول ۲، تعداد مهاجرت زنان از سایر استان‌ها به شهر تهران در سه سرشماری اخیر، یعنی سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، آورده شده است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد مهاجران زن واردشده به شهر تهران در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵، ۴۵۰۲۰۲ نفر بوده است که محل اقامت قبلی ۴۲۰۴۵۸ نفر از آنها داخل کشور بوده است و ۳۵۱۴۲ نفر از آنها از سایر مناطق استان تهران بوده‌اند (در این سرشماری، هنوز استان البرز از استان تهران جدا نشده است)؛ بنابراین، در این دهه، مجموع مهاجران زنی که از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۳۸۵۳۱۶ نفر بوده و بیشترین مهاجران زن واردشده به شهر تهران، به ترتیب از استان‌های مرکزی، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی بوده‌اند. میانگین کشوری مهاجران زنی که در این دهه از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۱۳۲۸۶/۸ نفر است و ۸ استان، یعنی استان‌های مرکزی، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، مازندران، گیلان، همدان و خوزستان، بالاتر از میانگین کشوری قرار دارند.

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد مهاجران زن واردشده به شهر تهران در دوره پنج‌ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۵، ۱۷۷۶۳۸ نفر بوده که محل اقامت قبلی ۱۵۵۴۶۷ نفر از آنها داخل کشور و محل اقامت قبلی ۵۷۷۳۲ نفر نیز از سایر مناطق استان تهران بوده است. بنابراین، در این دوره، مجموع مهاجران زنی که از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۹۷۷۳۵ نفر بوده و بیشترین مهاجران زن واردشده به شهر تهران، به ترتیب از استان‌های البرز، خراسان رضوی، اصفهان و مازندران بوده است. میانگین کشوری مهاجران زنی که در این دوره از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۳۲۵۷/۸ نفر بوده و ۱۲ استان، یعنی استان‌های البرز، خراسان رضوی، اصفهان، مازندران، مرکزی، همدان، خوزستان، آذربایجان شرقی، گیلان، لرستان، کرمانشاه، و فارس، بالاتر از میانگین کشوری قرار دارند.

بررسی تأثیر توسعه بر مهاجرت مستقل زنان از استان‌های مختلف به شهر تهران ... ۱۰۷

جدول ۲: تعداد مهاجران زن وارد شده به شهر تهران بر حسب استان محل اقامت قبلی در سرشماری

سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

استان‌ها	سرشماری ۱۳۸۵			سرشماری ۱۳۹۰			سرشماری ۱۳۹۵		
	رتبه	درصد	تعداد	رتبه	درصد	تعداد	رتبه	درصد	تعداد
کل	-	۱۰۰	۳۸۵۳۱۶	-	۱۰۰	۹۷۷۳۵	-	۱۰۰	۱۵۷۹۸۰
آذربایجان شرقی	۴	۶/۲	۲۳۹۶۶	۸	۵/۲	۵۱۱۱	۱۰	۴/۲	۶۷۱۱
آذربایجان غربی	۱۵	۱/۸	۷۰۸۶	۱۸	۲/۲	۲۱۹۱	۱۸	۲/۲	۳۴۲۳
اردبیل	۹	۳/۳	۱۲۸۰۱	۱۴	۳	۲۸۹۹	۱۵	۲/۹	۴۵۹۴
اصفهان	۲	۷	۲۷۰۵۴	۳	۷/۳	۷۱۶۳	۲	۷/۲	۱۱۳۵۳
البرز	-	-	-	۱	۹/۳	۹۱۱۷	۱	۱۰/۳	۱۶۳۱۹
ایلام	۲۳	۰/۹	۳۴۸۵	۲۵	۱/۳	۱۲۹۰	۲۲	۱/۷	۲۷۵۹
بوشهر	۲۵	۰/۶	۲۴۹۸	۲۷	۰/۹	۸۶۳	۲۷	۰/۹	۱۳۶۲
چهارمحال و بختیاری	۲۷	۰/۴	۱۳۹۲	۲۸	۰/۶	۵۴۱	۲۹	۰/۶	۱۰۲۵
خراسان جنوبی	۲۶	۰/۴	۱۶۲۵	۲۹	۰/۵	۴۷۲	۲۸	۰/۸	۱۳۲۰
خراسان رضوی	۳	۶/۵	۲۵۲۲۶	۲	۸/۱	۷۸۸۲	۳	۶/۹	۱۰۹۲۹
خراسان شمالی	۲۴	۰/۸	۳۰۴۰	۲۴	۱/۵	۱۴۶۵	۲۳	۱/۷	۲۶۴۱
خوزستان	۸	۳/۷	۱۴۳۲۵	۷	۵/۲	۵۱۲۱	۷	۵/۳	۸۳۲۷
زنجان	۱۸	۱/۶	۶۲۷۹	۲۱	۱/۸	۱۷۴۹	۱۹	۱/۹	۲۹۵۵
سمنان	۱۶	۱/۸	۷۰۶۷	۲۰	۱/۹	۱۸۳۹	۲۱	۱/۸	۲۸۰۴
سیستان و بلوچستان	۲۵	۰/۶	۲۴۹۷	۱	۹۴۳	۹۴۳	۲۶	۰/۹	۱۳۷۰
فارس	۱۲	۲/۸	۱۰۸۷۶	۱۲	۳/۹	۳۸۳۶	۱۳	۳/۲	۵۱۲۵
قزوین	۱۴	۲/۳	۸۹۸۴	۱۳	۳/۱	۳۰۵۹	۱۷	۲/۴	۳۸۵۱
قم	۱۳	۲/۸	۱۰۶۸۲	۱۵	۲/۹	۲۸۵۲	۱۶	۲/۵	۳۹۵۲
کردستان	۱۹	۱/۵	۵۷۹۶	۱۶	۲/۶	۲۵۵۴	۱۴	۳	۴۷۹۲
کرمان	۲۰	۱/۴	۵۴۰۸	۲۲	۱/۸	۱۷۲۴	۲۴	۱/۶	۲۵۶۰
کرمانشاه	۱۱	۲/۹	۱۱۲۰۰	۴	۳۸۶۴	۳۸۶۴	۱۱	۳/۸	۵۹۳۷
کهگیلویه و بویراحمد	۲۸	۰/۲	۸۲۱	۳۰	۰/۴	۳۸۴	۳۰	۰/۵	۷۳۴
گلستان	۱۷	۱/۸	۶۷۷۴	۱۷	۲/۳	۲۲۰۲	۱۲	۳/۳	۵۲۴۶
گیلان	۶	۵/۲	۲۰۱۸۹	۹	۴/۹	۴۸۲۵	۹	۵	۷۸۹۷
لرستان	۱۰	۳/۲	۱۲۳۵۴	۱۰	۴/۳	۴۲۳۱	۴	۶/۶	۱۰۴۵۳
مازندران	۵	۶	۲۳۰۱۳	۴	۵/۶	۵۴۴۱	۶	۵/۳	۸۳۳۰
مرکزی	۱	۲۶/۵	۱۰۲۲۳۳	۵	۵/۵	۵۳۴۰	۸	۵/۲	۸۲۲۳
هرمزگان	۲۱	۱/۲	۴۶۵۲	۲۳	۱/۸	۱۷۱۱	۲۰	۱/۸	۲۸۷۳
همدان	۷	۵/۲	۱۹۸۸۶	۶	۵/۲	۵۱۳۰	۵	۵/۴	۸۵۰۵
یزد	۲۲	۱/۱	۴۱۰۸	۲	۱۹۳۶	۱۹۳۶	۲۵	۱	۱۶۱۰

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد مهاجران زن واردشده به شهر تهران در دوره پنج‌ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰، ۱۹۳۸۷۴ نفر بوده است که محل اقامت قبلی ۴۷۷۱۸۰ نفر از آنها داخل کشور و محل اقامت قبلی ۲۲۴۹۷ نفر از آنها سایر مناطق استان تهران بوده است. بنابراین، در این دوره، مجموع مهاجران زنی که از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۱۵۷۹۸۰ نفر بوده و بیشترین مهاجران زن واردشده به شهر تهران، به ترتیب از استان‌های البرز، اصفهان، خراسان رضوی و لرستان بوده‌اند. میانگین کشوری مهاجران زنی که در این دوره از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۵۲۶۶ نفر بوده و ۱۲ استان یعنی استان‌های البرز، اصفهان، خراسان رضوی، لرستان، همدان، مازندران، خوزستان، مرکزی، گیلان، آذربایجان شرقی، کرمانشاه و گلستان، بالاتر از میانگین کشوری قرار دارند. مقایسه نتایج مهاجرت زنان در دو دوره اخیر سرشماری نشان می‌دهد که درصد زنان مهاجری که در دوره پنج‌ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰ از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، در مقایسه با دوره پنج‌ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۵، ۱/۶ برابر شده است و بیشترین مهاجران زن واردشده به شهر تهران از استان‌های البرز، خراسان رضوی و اصفهان بوده‌اند.

در جدول ۳، تعداد مهاجرت مستقل زنان از سایر استان‌ها به شهر تهران در دو سرشماری اخیری که علت مهاجرت پرسیده شده، یعنی سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، آورده شده است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد مهاجران زن مستقل واردشده به شهر تهران در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵، ۱۱۳۱۸۱ نفر بوده که محل اقامت قبلی ۱۰۴۷۵۷ نفر از آنها داخل کشور بوده است و ۹۹۳۳ نفر از آنها نیز از سایر مناطق استان تهران بوده‌اند. بنابراین، در این دهه، تعداد مهاجران زن مستقلی که از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۹۴۸۲۴ نفر و بیشترین درصد زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران، به ترتیب از استان‌های مرکزی، اصفهان، مازندران، خراسان رضوی و گیلان بوده است. میانگین کشوری مهاجران زن مستقلی که در این دهه از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۳۲۶۹/۹ نفر است و ۹ استان یعنی استان‌های مرکزی، اصفهان، مازندران، خراسان رضوی، گیلان، خوزستان، آذربایجان شرقی، همدان و فارس، بالاتر از میانگین کشوری قرار دارند.

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد مهاجران زن مستقل واردشده به شهر تهران در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵، ۶۵۸۲۸ نفر بوده که محل اقامت قبلی ۵۹۵۶۲ نفر از آنها داخل کشور

بوده و ۲۳۱۳۹ نفر از آنها از سایر مناطق استان تهران بوده‌اند. بنابراین، در این دوره، تعداد مهاجران زن مستقلی که از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۳۶۴۲۳ نفر بوده و بیشترین درصد زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران، به ترتیب به استان‌های البرز، اصفهان، خراسان رضوی، مازندران و فارس تعلق داشته است. میانگین کشوری مهاجران زن مستقلی که در این دوره از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، ۱۲۱۴/۱ نفر است و ۱۳ استان یعنی استان‌های البرز، اصفهان، خراسان رضوی، مازندران، فارس، خوزستان، مرکزی، گیلان، آذربایجان شرقی، همدان، کرمانشاه، لرستان و یزد، بالاتر از میانگین کشوری قرار دارند. در جدول ۳، درصد رشد مهاجرت مستقل زنان از سایر استان‌ها به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۸۵ آمده است. با در نظر گرفتن اینکه تعداد زنان مهاجر مستقل در سرشماری سال ۱۳۹۰ برای ۵ سال قبل و در سرشماری سال ۱۳۸۵ برای ۱۰ سال قبل می‌باشد، برای محاسبه درصد رشد زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران، از میانگین سالانه زنان مهاجر مستقل استفاده شده است. میانگین سالانه زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ از میانگین سالانه زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ کسر شده و سپس بر میانگین سالانه زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ تقسیم گردید که به صورت درصد بیان شده است.

نتایج نشان می‌دهد که در سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد زنان مهاجر مستقلی که از ۱۹ استان کشور به شهر تهران وارد شده‌اند، در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۸۵، کاهش یافته و رشد منفی داشته است. در سرشماری سال ۱۳۹۰، در استان‌هایی که بیشترین درصد مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران را داشته‌اند، یعنی استان‌های اصفهان، خراسان رضوی و مازندران، تعداد زنان مهاجر مستقل فرستاده شده از آنها به شهر تهران، در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۸۵، کاهش یافته است. بیشترین رشد تعداد مهاجران زن مستقل واردشده به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰، در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۸۵، مربوط به استان‌های یزد، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی بوده است. بیشترین کاهش تعداد زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران نیز به استان‌های مرکزی و گیلان مربوط بوده است.

جدول ۳: تعداد و میزان رشد زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران بر حسب استان محل اقامت

قبلی در سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

استان‌ها	سرشماری ۱۳۸۵		سرشماری ۱۳۹۰		سرشماری ۱۳۹۰ در مقایسه با سرشماری ۱۳۸۵	
	تعداد	میانگین سالانه	درصد	رتبه	میزان رشد	رتبه
کل	۹۴۸۲۴	۹۴۸۲	۱۰۰	-		
آذربایجان شرقی	۴۲۶۸	۴۲۷	۴/۵	۷	۲۵/۴	۲۳
آذربایجان غربی	۲۰۳۰	۲۰۳	۱/۲	۱۶	-۲۰/۲	۱۸
اردبیل	۱۶۸۱	۱۶۸	۱/۸	۱۸	-۱۶/۵	۱۷
اصفهان	۷۹۹۲	۷۹۹	۸/۴	۲	-۲۶/۴	۲۴
البرز	-	-	-	-	-	-
ایلام	۶۹۰	۶۹	۰/۷	۲۳	۲۰/۶	۶
بوشهر	۴۲۰	۴۲	۰/۴	۲۸	۳۰	۴
چهارمحال و بختیاری	۵۱۷	۵۲	۰/۵	۲۶	۲۳/۸	۵
خراسان جنوبی	۵۵۰	۵۵	۰/۶	۲۴	-۲۴	۲۲
خراسان رضوی	۵۹۸۰	۵۹۸	۶/۳	۴	-۱۴/۷	۱۶
خراسان شمالی	۵۱۱	۵۱	۰/۵	۲۷	۴۵/۲	۳
خوزستان	۴۳۲۵	۴۳۳	۴/۶	۶	-۱۲/۷	۱۵
زنجان	۱۶۳۴	۱۶۳	۱/۷	۱۹	-۲۶/۴	۲۵
سمنان	۲۰۴۰	۲۰۴	۲/۲	۱۵	-۲۱/۴	۲۱
سیستان و بلوچستان	۵۳۵	۵۴	۰/۶	۲۵	-۱۱	۱۳
فارس	۳۶۳۳	۳۶۳	۳/۸	۹	۹/۴	۹
قزوین	۲۰۰۴	۲۰۰	۱/۲	۱۷	۱۴/۴	۷
قم	۲۳۹۸	۲۴۰	۲/۵	۱۲	-۹/۱	۱۱
کردستان	۱۴۱۶	۱۴۲	۱/۵	۲۱	۴/۲	۱۰
کرمان	۲۱۰۹	۲۱۱	۲/۲	۱۳	-۹/۸	۱۲
کرمانشاه	۳۱۶۷	۳۱۷	۳/۳	۱۰	-۱۱/۵	۱۴
کهگیلویه و بویراحمد	۳۲۵	۳۳	۰/۳	۲۹	۵۸/۸	۲
گلستان	۲۰۹۷	۲۱۰	۲/۲	۱۴	-۲۹/۵	۲۷
گیلان	۵۲۹۹	۵۳۰	۵/۶	۵	-۳۸/۴	۲۸
لرستان	۲۴۹۵	۲۵۰	۲/۶	۱۱	۹/۷	۸
مازندران	۷۰۴۲	۷۰۴	۷/۴	۳	-۲۸/۷	۲۶
مرکزی	۲۳۳۵۳	۲۳۳۵	۲۴/۶	۱	-۸۴/۲	۲۹
هرمزگان	۱۰۷۴	۱۰۷	۱/۱	۲۲	-۲۰/۹	۲۰
همدان	۳۶۵۷	۳۶۶	۳/۹	۸	-۲۰/۶	۱۹
یزد	۱۵۸۴	۱۵۸	۱/۷	۲۰	۶۵/۴	۱

باتوجه به اینکه، جمعیت استان‌ها یکسان نیست و جمعیت، عامل تأثیرگذاری بر مهاجرفرستی استان‌هاست؛ برای مقایسه ارقام مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران، شاخص‌های استاندارد «نسبت مهاجرت» و «نسبت مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران» بر حسب جمعیت زنان هر استان محاسبه شد که در آنها تعداد زنان مهاجر و مهاجر مستقلی که از هر استان به شهر تهران رفته بودند، بر جمعیت زنان هر استان در سال سرشماری تقسیم گردید و در رقم ده‌هزار ضرب شد. در جدول ۴، نسبت‌های مهاجرت زنان استان‌ها به شهر تهران در ده‌هزار نفر جمعیت زنان استان‌ها در سه سرشماری سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ آمده است.

مقایسه نسبت‌های مهاجرت زنان استان‌ها به شهر تهران در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که استان مرکزی با میزان ۱۵۲۸ در ده‌هزار نفر جمعیت زنان، بیشترین نسبت مهاجران زن واردشده به شهر تهران را داشته است و با فاصله زیادی بعد از این استان، به ترتیب، استان‌های سمنان، همدان، اردبیل و قم قرار داشته‌اند. کمترین نسبت مهاجران زن واردشده به شهر تهران، به ترتیب به استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و کرمان تعلق داشته است. باتوجه به میانگین کشوری نسبت مهاجرت زنان به شهر تهران در این دوره، که ۱۵۸ نفر به دست آمده است، نسبت مهاجرت زنان هشت استان مرکزی، سمنان، همدان، اردبیل، قم، گیلان، قزوین و مازندران، بالاتر از میانگین کشوری بوده است.

مقایسه نسبت‌های مهاجرت زنان به شهر تهران در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ نشان می‌دهد که استان‌های البرز و مرکزی با میزان ۷۷ در ده‌هزار نفر جمعیت زنان، بیشترین نسبت مهاجران زن واردشده به شهر تهران را داشته و بعد از این استان‌ها، به ترتیب، استان‌های سمنان، همدان، قزوین و قم قرار داشته‌اند. کمترین نسبت مهاجران زن واردشده به شهر تهران به ترتیب از استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمان و چهارمحال و بختیاری بوده است. باتوجه به میانگین کشوری نسبت مهاجرت زنان به شهر تهران در این دوره، که ۳۴ نفر به دست آمده است، نسبت مهاجرت زنان ۱۵ استان البرز، مرکزی، سمنان، همدان، قزوین، قم، لرستان، اردبیل، ایلام، کرمانشاه، گیلان، یزد، مازندران، زنجان و کردستان به شهر تهران، بالاتر از میانگین کشوری بوده است.

جدول ۴: نسبت مهاجرت زنان به شهر تهران در هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت استان‌ها در سرشمای

سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

رتبه	نسبت مهاجرت		نسبت مهاجرت		نسبت مهاجرت	
	استان‌ها	زنان در سرشماری	استان‌ها	زنان در سرشماری	استان‌ها	زنان در سرشماری
		۱۳۹۰		۱۳۸۵		سرشماری ۱۳۹۵
۱	مرکزی	۱۵۲۸/۴	البرز	۷۶/۶	البرز	۱۲۲/۱
۲	سمنان	۲۴/۶	مرکزی	۷۶/۵	لرستان	۱۲۰/۵
۳	همدان	۲۳۴/۹	سمنان	۵۹	مرکزی	۱۱۶/۸
۴	اردبیل	۲۰۹/۶	همدان	۵۸/۶	همدان	۹۹/۱
۵	قم	۲۰۹/۵	قزوین	۵۱/۷	ایلام	۹۶/۸
۶	گیلان	۱۶۷/۴	قم	۵۰/۶	سمنان	۸۱/۱
۷	قزوین	۱۶۰/۶	لرستان	۴۸/۶	اردبیل	۷۴/۱
۸	مازندران	۱۵۸/۱	اردبیل	۴۷	گیلان	۶۲/۵
۹	لرستان	۱۴۶/۶	ایلام	۴۶/۹	قم	۶۲/۴
۱۰	آذربایجان شرقی	۱۳۵/۹	کرمانشاه	۴۰/۱	قزوین	۶۱/۸
۱۱	ایلام	۱۳۰/۴	گیلان	۳۸/۶	کرمانشاه	۶۱/۶
۱۲	زنجان	۱۳۰	یزد	۳۷/۲	خراسان شمالی	۶۱/۵
۱۳	اصفهان	۱۲۱/۷	مازندران	۳۵/۵	کردستان	۶۰/۶
۱۴	کرمانشاه	۱۲۱/۵	زنجان	۳۴/۵	زنجان	۵۶/۵
۱۵	خراسان رضوی	۹۰/۶	کردستان	۳۴/۴	گلستان	۵۶/۴
۱۶	یزد	۸۶/۷	خراسان شمالی	۳۳/۶	مازندران	۵۱/۱
۱۷	گلستان	۸۳/۳	اصفهان	۲۹/۸	اصفهان	۴۵
۱۸	کردستان	۸۱/۶	آذربایجان شرقی	۲۷/۷	خوزستان	۳۵/۹
۱۹	خراسان شمالی	۷۴/۲	خراسان رضوی	۲۶/۳	آذربایجان شرقی	۳۴/۹
۲۰	هرمزگان	۶۸/۶	گلستان	۲۴/۷	خراسان جنوبی	۳۴/۸
۲۱	خوزستان	۶۸/۵	خوزستان	۲۲/۸	خراسان رضوی	۳۴/۳
۲۲	بوشهر	۵۹/۷	هرمزگان	۲۲/۱	هرمزگان	۳۳
۲۳	خراسان جنوبی	۵۱/۷	بوشهر	۱۸/۳	یزد	۲۹/۱
۲۴	فارس	۵۱	فارس	۱۶/۸	بوشهر	۲۵/۱
۲۵	آذربایجان غربی	۵۰/۱	آذربایجان غربی	۱۴/۴	چهارمحال و بختیاری	۲۲
۲۶	کرمان	۴۱/۶	خراسان جنوبی	۱۴/۳	فارس	۲۱/۴
۲۷	چهارمحال و بختیاری	۳۲/۷	چهارمحال و بختیاری	۱۲/۲	آذربایجان غربی	۲۱/۳
۲۸	کهگیلویه و بویراحمد	۲۶/۲	کرمان	۱۱/۸	کهگیلویه و بویراحمد	۲۰/۹
۲۹	سیستان و بلوچستان	۲۱/۱	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱/۷	کرمان	۱۶/۵
۳۰	-	-	سیستان و بلوچستان	۷/۵	سیستان و بلوچستان	۱۰

با مقایسه نسبت‌های مهاجرت زنان به شهر تهران در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰، درمی‌یابیم که استان البرز با میزان ۱۲۲ در ده‌هزار نفر جمعیت زنان، بیشترین نسبت مهاجران زن وارد شده به شهر تهران را داشته است و بعد از آن، به ترتیب، استان‌های لرستان، مرکزی، همدان و ایلام قرار داشته‌اند. کمترین نسبت مهاجران زن وارد شده به شهر تهران، به ترتیب، از استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و آذربایجان غربی بوده‌اند. با توجه به میانگین کشوری نسبت مهاجرت زنان به شهر تهران در این دوره، که ۵۴ نفر به دست آمده است، نسبت مهاجرت زنان ۱۵ استان البرز، لرستان، مرکزی، همدان، ایلام، سمنان، اردبیل، گیلان، قم، قزوین، کرمانشاه، خراسان شمالی، کردستان، زنجان و گلستان به شهر تهران، بالاتر از میانگین کشوری بوده است.

در جدول ۵، نسبت‌های مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران در ده‌هزار نفر جمعیت زنان آنها، در دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ آمده است. مقایسه نسبت‌های مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵، نشان می‌دهد که استان‌های مرکزی، سمنان، مازندران، قم، گیلان، و همدان، بیشترین نسبت مهاجران زن مستقل وارد شده به شهر تهران را داشته‌اند. کمترین نسبت مهاجران زن مستقل وارد شده به شهر تهران به ترتیب از استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، و چهارمحال و بختیاری بوده است. با توجه به میانگین کشوری نسبت مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ که ۳۸ نفر به دست آمده است، نسبت مهاجرت مستقل زنان شش استان مرکزی، سمنان، مازندران، قم، گیلان، و همدان، بالاتر از میانگین کشوری بوده است.

با مقایسه نسبت‌های مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵، پی‌می‌بریم که استان‌های البرز، مرکزی، سمنان، یزد، قزوین، و قم، بیشترین نسبت مهاجران زن مستقل وارد شده به شهر تهران را داشته‌اند. کمترین نسبت مهاجران زن مستقل وارد شده به شهر تهران به ترتیب از استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و بوشهر بوده است. با توجه به میانگین کشوری، نسبت مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵، که ۱۳ نفر به دست آمده است، نسبت مهاجرت مستقل زنان ۱۱ استان البرز، مرکزی، سمنان، یزد، قزوین، قم، همدان، مازندران، لرستان، ایلام، و کرمانشاه، بیشتر از میانگین کشوری بوده است.

جدول ۵: نسبت مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران در هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت استان‌ها در سرشمای‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

رتبه	استان‌ها	نسبت مهاجرت مستقل زنان در سرشماری ۱۳۸۵	استان‌ها	نسبت مهاجرت مستقل زنان در سرشماری ۱۳۹۰
۱	مرکزی	۳۴۹/۱	البرز	۳۲/۴
۲	سمنان	۷۱	مرکزی	۲۶/۴
۳	مازندران	۴۸/۴	سمنان	۲۵/۷
۴	قم	۴۷	یزد	۲۵/۲
۵	گیلان	۴۳/۹	قزوین	۱۹/۴
۶	همدان	۴۳/۲	قم	۱۹/۳
۷	اصفهان	۳۵/۹	همدان	۱۶/۶
۸	قزوین	۳۵/۸	مازندران	۱۶/۴
۹	کرمانشاه	۳۴/۳	لرستان	۱۵/۷
۱۰	زنجان	۳۳/۸	ایلام	۱۵/۱
۱۱	یزد	۳۳/۴	کرمانشاه	۱۴/۵
۱۲	لرستان	۲۹/۶	گیلان	۱۳/۱
۱۳	اردبیل	۲۷/۵	اصفهان	۱۲/۲
۱۴	ایلام	۲۵/۸	زنجان	۱۱/۹
۱۵	گلستان	۲۵/۸	اردبیل	۱۱/۴
۱۶	آذربایجان شرقی	۲۴/۲	کردستان	۹/۹
۱۷	خراسان رضوی	۲۱/۵	فارس	۸/۷
۱۸	خوزستان	۲۰/۷	آذربایجان شرقی	۸/۶
۱۹	کردستان	۱۹/۹	خراسان رضوی	۸/۵
۲۰	خراسان جنوبی	۱۷/۵	خراسان شمالی	۸/۵
۲۱	فارس	۱۷	خوزستان	۸/۴
۲۲	کرمان	۱۶/۲	گلستان	۸/۳
۲۳	هرمزگان	۱۵/۸	کهگیلویه و بویراحمد	۷/۸
۲۴	آذربایجان غربی	۱۴/۳	چهارمحال و بختیاری	۷/۲
۲۵	خراسان شمالی	۱۲/۵	کرمان	۶/۵
۲۶	چهارمحال و بختیاری	۱۲/۱	خراسان جنوبی	۶/۳
۲۷	کهگیلویه و بویراحمد	۱۰/۴	بوشهر	۵/۸
۲۸	بوشهر	۱۰	هرمزگان	۵/۵
۲۹	سیستان و بلوچستان	۴/۵	آذربایجان غربی	۵/۳
۳۰			سیستان و بلوچستان	۱/۹

در جدول ۶، میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و توسعه فناورانه استان‌ها، بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰ و داده‌های کمی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ استان‌ها آورده شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰، استان‌های یزد، سمنان، اصفهان، مازندران، و مرکزی، بیشترین میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و در مقابل، استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، آذربایجان غربی، کرمان، کردستان، و خراسان شمالی، کمترین میزان این شاخص را داشته‌اند. همچنین استان‌های سمنان، یزد، قزوین، قم، مرکزی، و اصفهان، بیشترین میزان توسعه فناورانه و در مقابل، استان‌های هرمزگان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، بوشهر، آذربایجان غربی و گلستان، کمترین میزان توسعه فناورانه را داشته‌اند. تفاوت شاخص‌های توسعه بین توسعه‌یافته‌ترین و توسعه‌نیافته‌ترین مناطق کشور، زیاد است. برخلاف انتظار، استان تهران، رتبه هفتم توسعه اقتصادی-اجتماعی و رتبه دوازدهم توسعه فناورانه را به دست آورده است. این امر می‌تواند به علت نبود تناسب در توزیع امکانات با جمعیت بسیار زیاد این استان یا به علت نبود توزیع یکسان امکانات توسعه‌ای در همه مناطق این استان باشد. به عبارتی، درصد بالایی از سرمایه‌گذاری‌های عظیم صورت‌گرفته در استان تهران به شهر تهران اختصاص یافته است و سایر شهرهای این استان به تناسب شهر تهران، توسعه نیافته‌اند. در این تحقیق، شهر تهران که توسعه‌یافته‌ترین شهر کشور است، به‌عنوان مقصد زنان مهاجر در نظر گرفته شده است.

جدول ۶: میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناورانه استان‌ها

رتبه	استان‌ها	درجه توسعه اقتصادی-اجتماعی	استان‌ها	نمره سرنانه توسعه فناورانه
۱	یزد	۰/۴۲۷	سمنان	۳۰۹/۳۶
۲	سمنان	۰/۳۸۴	یزد	۳۰۲/۷۵
۳	اصفهان	۰/۳۴۹	قزوین	۲۷۳/۹۲
۴	مازندران	۰/۳۴۶	قم	۲۴۹/۲۷
۵	مرکزی	۰/۳۰۹	مرکزی	۲۲۱/۹
۶	قزوین	۰/۳۰۵	اصفهان	۱۹۸/۰۲
۷	تهران	۰/۲۸	آذربایجان شرقی	۱۴۹/۱۹
۸	زنجان	۰/۲۷۴	ایلام	۱۴۵/۲۷
۹	چهارمحال و بختیاری	۰/۲۴۴	زنجان	۱۲۴/۰۱
۱۰	قم	۰/۲۳۷	چهارمحال و بختیاری	۱۱۵/۷۶
۱۱	آذربایجان شرقی	۰/۲۳۶	گیلان	۹۲/۲۶
۱۲	گیلان	۰/۲۳۵	تهران	۸۸/۲۳
۱۳	فارس	۰/۲۲۶	همدان	۸۷/۹۷
۱۴	خراسان رضوی	۰/۲۱۳	مازندران	۸۵/۸۹
۱۵	همدان	۰/۱۹۹	لرستان	۸۵/۱۳
۱۶	بوشهر	۰/۱۹۱	کرمان	۸۳/۰۹
۱۷	البرز	۰/۱۸۴	فارس	۷۹/۳۶
۱۸	اردبیل	۰/۱۶۵	خراسان رضوی	۷۸/۸۸
۱۹	ایلام	۰/۱۵۲	خراسان جنوبی	۶۳/۴۶
۲۰	کرمانشاه	۰/۱۴۲	کردستان	۵۸/۶۷
۲۱	خراسان جنوبی	۰/۱۳۹	اردبیل	۵۵/۱۸
۲۲	گلستان	۰/۱۳۲	کرمانشاه	۵۲/۸۱
۲۳	خوزستان	۰/۱۳۲	کهگیلویه و بویراحمد	۴۹/۳۶
۲۴	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۱۲۱	خراسان شمالی	۴۶/۴۸
۲۵	لرستان	۰/۱۰۲	گلستان	۴۵/۹
۲۶	خراسان شمالی	۰/۰۸۳	آذربایجان غربی	۴۵/۳۱
۲۷	کردستان	۰/۰۷۸	بوشهر	۴۱/۵
۲۸	کرمان	۰/۰۷۸	خوزستان	۳۹/۲۴
۲۹	آذربایجان غربی	۰/۰۷۱	سیستان و بلوچستان	۳۷/۸
۳۰	هرمزگان	۰/۰۲۸	هرمزگان	۳۱/۵۲
۳۱	سیستان و بلوچستان	۰/۰۰۷		

منبع: فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فولادیان و همکاران، ۱۳۹۷

در ادامه، به بررسی همبستگی نسبت‌های مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰ با میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری استان‌ها در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ پرداخته می‌شود. از آنجایی که آخرین آمارهای مهاجرت مستقل زنان، مربوط به سرشماری سال ۱۳۹۰ است، داده‌های این سرشماری مبنای بررسی ارتباط میان نسبت‌های مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان با میزان‌های توسعه، قرار گرفته است.

سطح معناداری و میزان ضرایب همبستگی مثبت ارائه شده در جدول ۷، نشان‌دهنده وجود یک رابطه معنادار مثبت و با شدت متوسط بین متغیرهای میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری استان‌ها و نسبت مهاجرت زنان‌شان به شهر تهران است.

جدول ۷: نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و توسعه فناوری استان‌ها با نسبت مهاجرت زنان به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰

نام متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	مقدار معناداری
میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی	+۰/۴۷۹	۰/۰۰۷
میزان توسعه فناوری	+۰/۶۱۷	۰/۰۰۰

سطح معناداری و میزان ضرایب همبستگی مثبت ارائه شده در جدول ۸، بیانگر وجود رابطه معنادار مثبت بین متغیرهای میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری استان‌ها با نسبت مهاجرت مستقل زنان‌شان به شهر تهران است. میزان ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که شدت همبستگی بین میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌ها و نسبت مهاجرت مستقل زنان‌شان، متوسط است؛ ولی بین میزان توسعه فناوری استان‌ها و نسبت مهاجرت مستقل زنان‌شان، همبستگی قوی وجود دارد.

جدول ۸: نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و توسعه فناوری استان‌ها با نسبت مهاجرت مستقل زنان آنها به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰

متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	مقدار معناداری
میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی	+۰/۶۶	۰/۰۰۰
میزان توسعه فناوری	+۰/۷۰۹	۰/۰۰۰

برای تعیین سهم تأثیر میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری‌ها در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بر نسبت مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰، از تحلیل رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. با توجه به مقادیر T و مقدار معناداری مندرج در جدول ۹، رابطه میان میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری‌ها با نسبت مهاجرت زنان استان‌ها به شهر تهران معنادار است و ضریب بتا بیان‌گر وجود رابطه مستقیم بین آنهاست. مقادیر ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد که میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری‌ها، به ترتیب ۲۲/۲ و ۵۸/۲ درصد از واریانس نسبت مهاجرت زنان استان‌ها به شهر تهران را تبیین می‌کنند.

جدول ۹: نتایج آزمون رگرسیون برای تبیین میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و توسعه فناوری‌ها استان‌ها با نسبت مهاجرت زنان آنها به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰

مقدار معناداری	T	F	Beta	B	R^2	R	متغیر مستقل
۰/۰۱۰	۲/۷۷۷	۷/۷۱۱	۰/۴۷۱	۷۴/۶۴۱	۰/۲۲۲	۰/۴۷۱	میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی
۰/۰۰۱	۳/۷۲۲	۱۳/۸۵	۰/۵۸۲	۰/۱۱۸	۰/۳۳۹	۰/۵۸۲	میزان توسعه فناوری‌ها

با توجه به مقادیر T و مقدار معناداری مندرج در جدول ۱۰، رابطه میان متغیرهای میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری‌ها و متغیر نسبت مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران معنادار است و ضریب بتا بیان‌گر وجود رابطه مستقیم بین آنهاست. مقادیر ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد که میزان‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوری‌ها، به ترتیب ۵۳/۸ و ۶۷/۲ درصد از واریانس نسبت مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۰: نتایج آزمون رگرسیون برای تبیین میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و توسعه فناوری‌ها استان‌ها با نسبت مهاجرت مستقل زنان آنها به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰

مقدار معناداری	T	F	Beta	B	R^2	R	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۵/۶۰۶	۳۱/۴۲۴	۰/۷۳۳	۴۳/۷۳۱	۰/۵۳۸	۰/۷۳۳	میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی
۰/۰۰۰	۷/۴۲۳	۵۵/۲۴۳	۰/۸۲	۰/۰۶۲	۰/۶۷۲	۰/۸۲	میزان توسعه فناوری‌ها

در ادامه، به بررسی رابطه میان میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فنوارانه استان‌ها با نسبت مهاجرت مستقل زنان‌شان به شهر تهران، در سرشماری سال ۱۳۹۰، با استفاده از تحلیل فازی پرداخته می‌شود. به‌منظور تحلیل علی منفرد این دو شرط علی، یک مجموعه فازی به نام «مجموعه استان‌های واجد مهاجرت مستقل زنان» ساخته شد و برای شناسایی توان تجربی و توان نظری و نوع شرط، این دو شرط در کل نمونه به‌صورت جداگانه تحلیل شد. نتایج مندرج در جدول ۱۱ نشان می‌دهند که در تحلیل علی منفرد، هر دو شرط توسعه اقتصادی-اجتماعی و فنوارانه از شاخص سازگاری^۱ و پوشش^۲ زیادی برخوردارند و نسبت مهاجرت مستقل زنان را افزایش می‌دهند. همچنین به‌عنوان شروط لازم، نقش علی ایفا می‌کنند و جمع ارزش‌های فازی نتیجه (نسبت مهاجرت مستقل زنان) کوچک‌تر یا مساوی با ارزش‌های فازی شروط علی ذکر شده است.

جدول ۱۱: تحلیل علی منفرد شروط مؤثر بر مهاجرت مستقل زنان

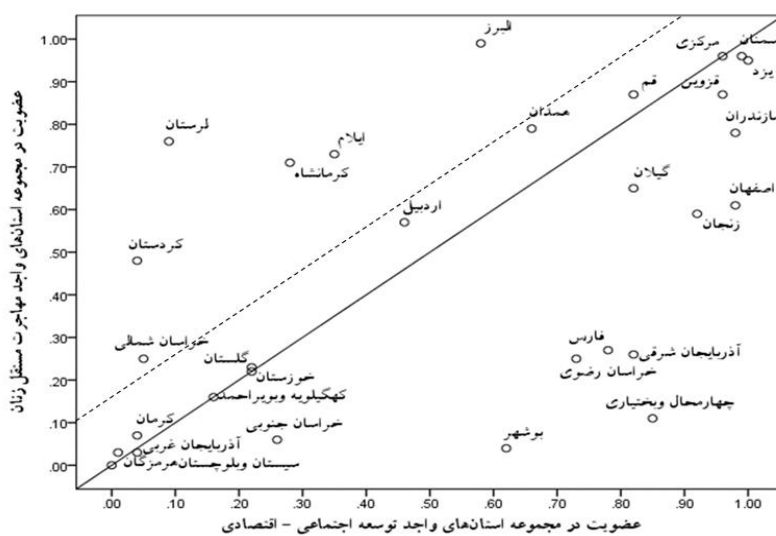
اهمیت نظری و تجربی شرط		تعیین اولیه نوع شرط			شروط علی	بعد نظری
شاخص پوشش	شاخص سازگاری	نوع شرط	شاخص کفایت	شاخص ضرورت		
۰/۷۹۸	۰/۷۲۵	لازم	۰/۷۲۵	۰/۷۹۸	عضویت در مجموعه استان‌های واجد توسعه اجتماعی-اقتصادی	توسعه اقتصادی-اجتماعی
۰/۸۲۹	۰/۷۴۳	لازم	۰/۷۴۳	۰/۸۲۹	عضویت در مجموعه استان‌های واجد توسعه فنوارانه	توسعه فنوارانه

نمودارهای ۱ و ۲ وضعیت استان‌ها را در این دو شرط نشان می‌دهند.

1. Consistency
2. Coverage

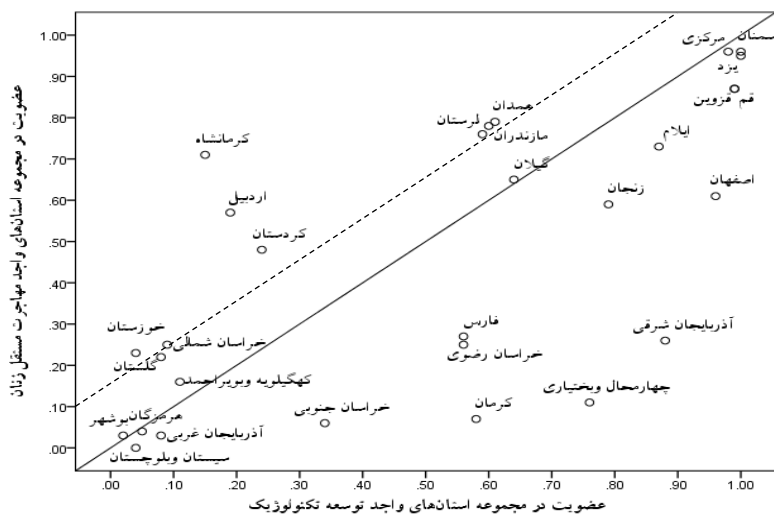
نمودار ۱: تحلیل علی شرط عضویت در مجموعه استان‌های واجد توسعه اقتصادی-اجتماعی مؤثر

بر نسبت مهاجرت مستقل زنان



نمودار ۲: تحلیل علی شرط عضویت در مجموعه استان‌های واجد توسعه فناورانه مؤثر بر نسبت

مهاجرت مستقل زنان



در ادامه، با استفاده از نرم‌افزار آنالیز تطبیقی کیفی با مجموع فازی^۱ و تحلیل به‌روش الگوریتم جدول صدق^۲ به واکاوی ترکیب‌های علی پرداخته می‌شود. از میان ترکیب‌های گوناگون ارائه‌شده در جدول ۱۲ (جدول صدق و کذب)، ترکیب‌هایی که دارای شاخص سازگاری مناسبی بودند (آستانه ۰/۷۵ به‌عنوان سطح قابل قبول نظری است)، به‌عنوان ترکیب‌های علی نهایی معرفی شدند. از ترکیب دو شرط علی وارد شده در جدول صدق و کذب، چهار ترکیب علی ممکن به‌دست آمد (۳^k که k تعداد شرط علی است) که سه ترکیب دارای داده تجربی است. با توجه به ملاک تعداد جوامع، ترکیب‌های علی کمتر از دو استان از تحلیل حذف شدند و در نهایت، سه ترکیب باقی ماند. با توجه به معیار شاخص سازگاری، هر دو ترکیب دارای شاخص سازگاری بیشتر از ۰/۷۵ هستند و در تحلیل شروط علی مؤثر بر نسبت مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران وجود دارند.

جدول ۱۲: ترکیب‌های علی شروط علی مؤثر بر نسبت مهاجرت مستقل زنان در استان‌ها به روش صدق و کذب

کد ترکیب	شاخص سازگاری	تعداد استان‌ها در ترکیب علی	شروط علی	
			توسعه فناورانه	توسعه اقتصادی-اجتماعی
۱	۰/۷۸	۱۴	۱	۱
۰	۰/۴۰	۱۱	۰	۰
۱	۰/۸۰	۳	۰	۱
۱	۰/۷۵	۱	۱	۰

در نهایت، مطابق با جدول ۱۳، با استفاده از قواعد ساده‌سازی فازی، یک ترکیب علی به‌عنوان ترکیب علی تأثیرگذار بر نسبت مهاجرت مستقل زنان استان‌ها وجود دارد که شاخص سازگاری اش از آستانه مدنظر بیشتر است که از لحاظ نظری پذیرفتنی است و قدرت تبیین تجربی زیادی دارد (شاخص پوشش خام برابر با ۰/۸۲). طبق این ترکیب، توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناورانه، ترکیب علی کافی سطح مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران است و استان‌های یزد، سمنان، قم، قزوین، مرکزی، اصفهان، آذربایجان شرقی، ایلام، زنجان، چهارمحال و بختیاری، گیلان، همدان، مازندران، لرستان، کرمان، خراسان رضوی، و فارس، در

1. Fuzzy set/Qualitative Comparative Analysis
2. Truth Table Algorithm

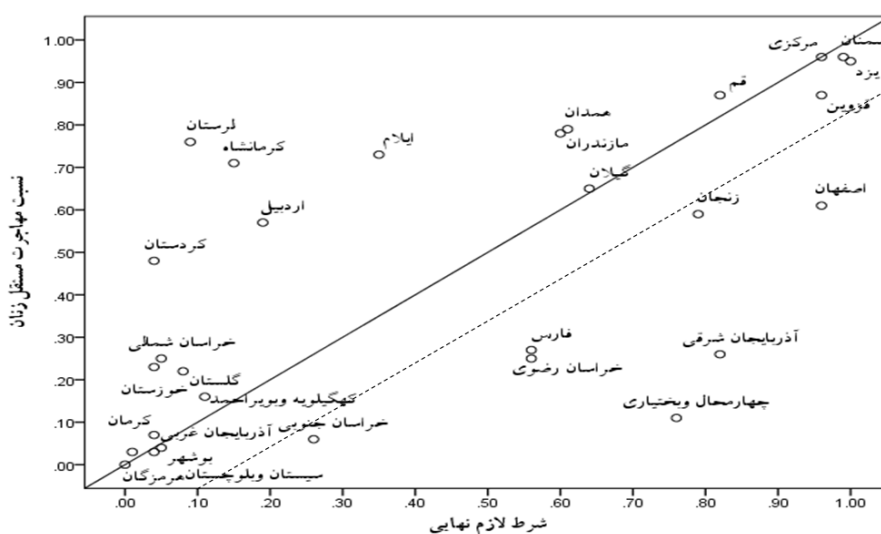
این ترکیب علی اشتراک داشتند. باتوجه به شاخص سازگاری و پوشش، دو شرط توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناورانه به عنوان شروط لازم نهایی معرفی می شوند. نمودار ۳ نیز اشتراک فازی این دو شرط را در کل استان‌ها نشان می دهد (ضرورت = ۰/۷۸۱ و کفایت = ۰/۷۳۸).

جدول ۱۳: مسیرهای نهایی مؤثر بر سطح مهاجرت مستقل زنان در استان‌ها

شاخص کل		شاخص مسیر			ترکیب علی
پوشش کل	سازگاری کل	پوشش یکه	پوشش خام	سازگاری	
۰/۸۲	۰/۷۴	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۸	توسعه اقتصادی-اجتماعی * توسعه فناورانه

طبق نمودار ۳، اشتراک فازی دو شرط، به صورت شرط کافی با قوت نظری زیاد (شاخص سازگاری = ۰/۷۳۸) و قوت تجربی زیاد (شاخص پوشش = ۰/۷۸۱)، به مثابه یک بستر توانسته نسبت مهاجرت مستقل زنان استان‌ها را تبیین کند.

نمودار ۳: وضعیت عضویت محلات (کل نمونه) در اشتراک فازی دو شرط علی



بحث و نتیجه‌گیری

زنانه شدن مهاجرت یا افزایش مهاجرت زنان، به‌ویژه مهاجرت مستقل آنان، از پراهمیت‌ترین تغییرات چند دهه اخیر حوزه مهاجرت و یکی از مهمترین تغییرات ناشی از توسعه می‌باشد. بررسی سرشماری‌های ایران نشان می‌دهد که مهاجرت‌های بین استانی زنان، به‌ویژه مهاجرت مستقل آنان، رشد چشم‌گیری داشته است و بیشتر زنان مهاجر، استان تهران را به‌عنوان مقصد انتخاب نموده‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مهاجرت زنان، تا حد زیادی از توسعه متفاوت استان‌ها نشئت می‌گیرد. براین اساس، این پژوهش با هدف بررسی رابطه میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناوریانه استان‌ها با نسبت مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان‌شان به شهر تهران انجام شد. برای بررسی این روابط، تلفیقی از رویکردهای وابستگی، ساختاری، رفتاری، جاذبه و دافعه و دیدگاه‌های اقتصادی جدید، به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق به‌کار گرفته شد. روش این تحقیق، تطبیقی کمی، به‌ویژه تطبیقی ترکیبی (تحلیل فازی)، بود. داده‌های کمی استخراج شده و گردآوری شده به دوره‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ مربوط می‌باشند.

برای پاسخگویی به سؤال نخست تحقیق مبنی بر اینکه نسبت مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران، به ترتیب، طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ و ۱۳۹۰-۱۳۷۵ چه تغییری کرده است؟ در بخش توصیفی تحقیق، درصد و نسبت‌های مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان طی این سال‌ها بر اساس داده‌های استخراج شده توسط مرکز آمار از سرشماری سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ محاسبه شد. نتایج نشان می‌دهند که مهاجرت زنان به شهر تهران از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۵ حالت سینوسی داشته است؛ به این ترتیب که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بالا بوده و به‌طور متوسط، سالانه $38531/6$ زن از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند. این تعداد در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ به سالانه ۱۹۵۴۷ نفر کاهش یافته و به نصف دوره قبل رسیده است. در مقابل، تعداد زنان مهاجری که در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، در مقایسه با دوره قبلی یعنی ۱۳۹۰-۱۳۸۵، افزایش یافته و $1/6$ برابر شده است. براین اساس، روند مهاجرت زنان از سایر استان‌ها به شهر تهران، با روند افزایش زنان در مهاجرت‌های داخلی کشور، همخوانی دارد. بیشترین مهاجران زن وارد شده به شهر تهران، در سرشماری سال ۱۳۸۵ از استان مرکزی و در دوره‌های بعدی، از استان‌های البرز، خراسان رضوی و اصفهان بودند که از استان‌های بیشتر یا نسبتاً توسعه یافته می‌باشند. مقایسه نسبت‌های

مهاجرت زنان استان‌ها به شهر تهران در هر ده‌هزار نفر جمعیت زنان‌شان نیز نشان می‌دهد که استان مرکزی در سرشماری سال ۱۳۸۵ و استان البرز در سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، رتبه اول را در نسبت مهاجرفرستی زنان به شهر تهران دارند.

مقایسه درصد مهاجرت مستقل زنان نشان می‌دهد که میانگین سالانه کل مهاجران زن مستقلی که از سایر استان‌ها به شهر تهران وارد شده‌اند، در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ (آخرین دوره‌ای که ارقام مهاجرت مستقل، قابل محاسبه است)، در مقایسه با دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ کاهش یافته است؛ به طوری که در ۱۹ استان، تعداد زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران، رشد منفی داشته است. براین اساس، روند مهاجرت مستقل زنان از سایر استان‌ها به شهر تهران، با روند افزایشی درصد زنان در مهاجرت‌های داخلی کشور هم‌خوانی ندارد. بیشترین درصد زنان مهاجر مستقل واردشده به شهر تهران، در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵، از استان مرکزی و در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ از استان البرز بوده است که این استان‌ها از استان‌های بیشتر یا نسبتاً توسعه‌یافته می‌باشند. مقایسه نسبت‌های مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران در هر ده‌هزار نفر جمعیت زنان‌شان در دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نیز نشان می‌دهد که استان‌های مرکزی و سمنان، در سرشماری سال ۱۳۸۵ رتبه‌های یکم و دوم را در نسبت مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران داشته‌اند و در سرشماری ۱۳۹۰، بعد از استان البرز، در جایگاه دوم و سوم قرار گرفتند.

نتایج این تحقیق، نشان می‌دهد که در طول سرشماری‌های اخیر، بیشترین درصد و نسبت مهاجرت زنان، به‌ویژه مهاجرت مستقل آنها به شهر تهران که یک شهر بسیار توسعه‌یافته است، از استان‌های بیشتر یا نسبتاً توسعه‌یافته‌ای مانند البرز، مرکزی و سمنان بوده است. همچنین با وجود اینکه در سرشماری سال ۱۳۹۰ نسبت مهاجرت مستقل زنان برخی از استان‌های بیشتر توسعه‌یافته به شهر تهران، در مقایسه با سرشماری ۱۳۸۵ کاهش یافته و رتبه آنها تنزل پیدا کرده است، استان‌های دیگری با سطح توسعه‌یافتگی بالا، جایگاه آنها را پر کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در هیچ‌کدام از سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، استان‌های کمتر توسعه‌یافته جزء استان‌های با نسبت‌های بالای مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران، قرار

۱. در این دوره، البرز هنوز از استان تهران جدا نشده است.

نداشتند؛ به طوری که استان‌های لرستان، ایلام و کرمانشاه که بالاترین نسبت‌های مهاجرت مستقل زنان از استان‌های کمتر توسعه یافته به شهر تهران را به خود اختصاص داده‌اند، رتبه‌های نهم و بیشتر را در نسبت مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران به دست آورده‌اند.

پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی بر این تأکید دارند که اکثر افرادی که به مناطق بیشتر توسعه یافته مهاجرت می‌کنند، از مناطق کمتر توسعه یافته می‌آیند (کانل، ۱۹۸۴؛ گلیم و میلر، ۱۹۹۴؛ فان، ۱۹۹۶؛ هانتر و همکاران، ۲۰۰۳؛ دی‌هاس، ۲۰۰۵؛ بونا، ۲۰۱۲؛ پیراس، ۲۰۱۷؛ اردشیری، ۱۳۷۵؛ زاهد، ۱۳۸۳؛ وارثی و سروری، ۱۳۸۵؛ یاسوری، ۱۳۸۸؛ قاسمی‌اردهایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۵ و شهبازین و همکاران، ۱۴۰۰)؛ در حالی که نتیجه تحقیق ما در رابطه با مهاجرت زنان، به ویژه مهاجرت مستقل آنها، نشان می‌دهد که در سرشماری‌های اخیر اکثریت زنانی که به شهر تهران، مهاجرت کرده‌اند از استان‌های بیشتر توسعه یافته آمده‌اند، نه از استان‌های کمتر توسعه یافته. این نتیجه همچنین برخلاف اعتقاد نظریه پردازان دیدگاه‌های تعادل، وابستگی و سرمایه انسانی و جاذبه و دافعه (مانند راونشتاین، ۱۸۸۹؛ دی. اس. توماس، ۱۹۴۱؛ اورت. اس. لی، ۱۹۶۶) است که معتقدند اکثر مهاجرت‌ها از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق بیشتر توسعه یافته صورت می‌گیرند. این نتیجه تحقیق مبنی بر اینکه اکثر زنانی که به شهر تهران مهاجرت کرده‌اند، از استان‌های بسیار توسعه یافته بودند، می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که ارتقاء تحصیلات زنان در استان‌های بیشتر توسعه یافته و افزایش میل آنها به تحرک اجتماعی و در عین حال نبود فرصت‌های مورد انتظار در ساختارهای نابرابر جنستی موجود، باعث شده است که برای دستیابی به پایگاه اجتماعی مورد انتظارشان، دست به مهاجرت بزنند.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق مبنی بر اینکه آیا بین نسبت مهاجرت و نسبت مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران و میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناورانه آنها همبستگی وجود دارد؟ نتایج تبیینی این تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان توسعه یافتگی استان‌ها و نسبت‌های مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان استان‌ها به شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۰، رابطه معنادار مستقیم وجود دارد و با افزایش میزان توسعه اقتصادی-اجتماعی و فناورانه استان‌ها، نسبت مهاجرت و مهاجرت مستقل زنان آنها به شهر تهران افزایش می‌یابد؛ این نتیجه تحقیق، با نتایج پژوهش‌های باش (۲۰۰۷)، قاسمی‌اردهایی و حسینی‌راد (۱۳۸۷)، نوراللهمی

(۱۳۸۹)، صادقی و شکریانی (۱۳۹۵)، قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۶)، حسینی و همکاران (۱۳۹۷) و زندی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان داده‌اند بین مهاجرت و توسعه‌یافتگی مناطق، رابطه معکوس وجود دارد و با کاهش سطح توسعه‌یافتگی مناطق، میزان مهاجرفرستی آنها به مناطق توسعه‌یافته افزایش می‌یابد، همخوانی ندارد. این نتیجه می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت بیشتر انگیزه‌های غیراقتصادی در مهاجرت زنان باشد. این استدلال، با تعدادی از نظریات آمده در چارچوب نظری تحقیق، مانند دیدگاه‌های تعادل، نظریات وابستگی و سرمایه انسانی و جاذبه و دافعه که معتقدند زنان مانند مردان برای بهبود وضعیت اقتصادی‌شان مهاجرت می‌کنند، همخوانی ندارد؛ ولی با نظریات پژوهشگران حقوق زنان و نظریه‌های اقتصادی جدید مهاجرت (فرضیه استراتژی دسترسی یوتنگ، ۲۰۱۲؛ نظریه استراتژی خانوار و تئوری جنسیتی بویادو گرایکو، ۲۰۰۳) که معتقدند وجود ساختار نابرابر جنسیتی و ایدئولوژی‌های نابرابر تعیین‌کننده نقش و جایگاه جنسیتی در بستر اجتماعی-فرهنگی جامعه مبدأ، عامل اصلی مهاجرت زنان می‌باشد، هم‌خوانی دارد. نتایج تحقیقات فرنت و همکارانش (۲۰۱۴) که بیان می‌کنند نهادهای اجتماعی تبعیض‌آمیز نقش مهمی در مهاجرت زنان بازی می‌کند و نتیجه پژوهش حسن‌پور فرد (۱۳۸۹) که بیان می‌کند برای زنان، عوامل اجتماعی-فرهنگی، از عوامل اقتصادی مهمتر است، این استدلال ما را تأیید می‌کند.

نتایج این تحقیق گویای آن است که افزایش توسعه استان‌ها باعث افزایش مهاجرت مستقل زنان‌شان به شهر تهران شده است که می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که عامل اقتصادی نسبت به عوامل پیچیده اجتماعی و فرهنگی، تأثیر کمتری بر مهاجرت مستقل زنان به شهر تهران داشته است. بنابراین، سیاست‌گذاران باید علاوه بر بررسی عوامل مهاجرت بررسی‌شده در دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در سرشماری‌های آتی، عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر مهاجرت‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهند تا درنهایت با شناخت این عوامل و برطرف نمودن آنها از میزان مهاجرت زنان سایر استان‌ها به‌ویژه استان‌های توسعه‌یافته به پایتخت بکاهند. پژوهشگران هم می‌توانند در مطالعات بعدی، با به‌کارگیری روش‌های ترکیبی (کمی-کیفی) به مطالعه عمیق‌تر ارتباط توسعه، به‌ویژه ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن، با مهاجرت مستقل زنان بپردازند و بررسی پیامدهای مهاجرت برای زنان را نیز مدنظر قرار دهند.

منابع

- اردشیری، مهرداد (۱۳۷۵). بررسی برخی عوامل عمده اقتصادی، فرهنگی و اقلیمی مهاجرت بین استانی در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۶۵-۱۳۵۵)، گزارش طرح پژوهشی، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- اعظم آزاده، منصوره و مرضیه مشتاقیان (۱۳۹۴). جدایی فرهنگی، نابرابری منطقه‌ای و تصمیم دانشجویان دختر به بازگشت یا عدم بازگشت به مبدأ مهاجرت، مقاله ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی مهاجرت: الگوها، پیامدها و سیاست‌ها، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- اوبرای، ا. س. (۱۳۷۰). مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). مهاجرت‌های داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران: دفتر بین‌المللی کار (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی).
- حسن‌پور فرد، علی (۱۳۸۹). گرایش به مهاجرت و جنسیت، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- حسینی، قربان، رسول صادقی، علی قاسمی اردهابی و ولی‌اله رستمعلی‌زاده (۱۳۹۷). تحولات روند و الگوهای مهاجرت داخلی در استان‌های ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۱-۱۸.
- حسینی، قربان، محمود مشفق و راحله زارع مهرجردی (۱۳۹۵). توصیف و تحلیل مهاجرت‌های بین استانی در ایران و تعیین‌کننده‌های آن طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵، برنامه‌ریزی فضایی، سال ۶، شماره ۴ (پیاپی ۲۳)، صص ۴۴-۱۹.
- راعی، هاشم، رزیتا مؤیدفر و مصطفی عمادزاده (۱۳۹۴). عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر مهاجرت بین استانی در ایران (بر پایه مدل گرانث بسط‌یافته طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵)، جغرافیا و توسعه، شماره ۴۰، صص ۱۷۴-۱۵۷.
- ریگین، چالز (۱۳۹۴). بازطراحی بررسی اجتماعی مجموعه‌های فیزی و فراتر از آن، ترجمه خلیل میرزایی، هادی برغمندی و فرید ناهید، تهران: نشر فوژان.
- زاهد، سعید (۱۳۸۳). نگاهی کلان به مهاجرت و توزیع جمعیت در ایران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱، صص ۱۹۸-۱۶۸.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: سمت.

زندگی، لیلا، رسول صادقی و عباس عسکری‌ندوشن (۱۳۹۸). ساختار فضایی مهاجرت‌های بین‌استانی در ایران: کاربرد مدل‌های لگاریتم خطی، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱۴، شماره ۲۸، صص ۶۹-۱۱۱.

زنگی‌آبادی، علی، علیرضا رحیمی و سمانه مسیبی (۱۳۹۲). تحلیل تطبیقی شاخص‌های اشتغال شهری شهرستان‌های ایران، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۴، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۸.

شهبازین، سعیده، رسول صادقی و مریم رضایی (۱۴۰۰). تحقیقات مهاجرت داخلی در ایران: مرور حیطه‌ای، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱۶، شماره ۳۱، صص ۳۷۳-۳۴۳.

شیخ‌بیگللو، رعنا و مسعود تقوایی (۱۳۹۱). ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه، *فصلنامه انجمن جغرافیای ایران*، شماره ۳۹، صص ۱۵۷-۱۳۲.

صادقی، رسول و لیلا ولدوند (۱۳۹۲). بررسی نقش زنان و مردان در فرایندهای اخیر مهاجرتی و تعیین‌کننده‌های آن: تحلیلی از نتایج سرشماری ۱۳۹۰، *همایش تحلیل یافته‌های سرشماری ۱۳۹۰*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

صادقی، رسول و لیلا ولدوند (۱۳۹۴). جنسیت و مهاجرت: تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران، *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال ۱۴، شماره ۷، صص ۷۸-۵۵.

صادقی، رسول و محسن شکرانی (۱۳۹۵). تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی بین شهرستانی در ایران، *توسعه محلی روستایی-شهری*، دوره ۸، شماره ۲، صص ۲۷۰-۲۴۵.

طیفوری، وحید، مهرداد نوروزی و فیروز صادق‌اکبری (۱۳۹۲). بررسی شاخص‌ها، علل و جریان‌های مهاجرت داخلی ایران ۱۳۹۰-۱۳۷۵، *همایش تحلیل یافته‌های سرشماری نفوس و مسکن*، دانشگاه تربیت مدرس.

عسکری‌ندوشن، عباس، احسان لشکری و سمیه فرامرزیان (۱۳۹۵). رابطه شاخص‌های توسعه و مهاجرپذیری شهرستان‌ها در ایران، *مجله تحلیل اجتماعی*، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۲۷.

فتح‌اللهی، جمال، وحید کفیلی و علیرضا تقی‌زادگان (۱۳۹۶). شکاف توسعه استان‌های ایران، *دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی*، سال ۶، شماره ۱، صص ۱۱۸-۹۹.

فولادیان، مجید، محمد توکل و محسن سوهانپان‌حقیقی (۱۳۹۷). بررسی رابطه توسعه فناورانه با ابعاد توسعه اجتماعی (مطالعه تطبیقی استان‌های کشور)، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال ۱۵، شماره ۱، صص ۲۲۰-۱۸۹.

قاسمی اردهایی، علی و علی حسینی‌راد (۱۳۸۷). جریان‌های مهاجرت داخلی ایران طی دهه ۸۵-۱۳۷۵، فصلنامه جمعیت، جلد ۱۵، شماره ۶۶-۶۵، صص ۲۶-۱.

قاسمی اردهایی، علی، حسین محمودیان و رضا نوبخت (۱۳۹۶). تحلیل علل مهاجرت‌های داخلی ایران در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۳، صص ۳۹۰-۳۷۵.

قرخلو، مهدی و کیومرث حبیبی (۱۳۸۵). تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱، صص ۸۳-۶۰.

لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.

محمودیان، حسین و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰، قابل دسترس در:

https://iran.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/layout-report_on_internal_migration-v.10.pdf

محمودیان، حسین، حجه‌بی‌بی رازقی نصرآباد و محمدرضا کارگر شورکی (۱۳۸۸). زنان مهاجر تحصیلکرده در تهران، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، صص ۷۰-۵۱.

محمودیان، حسین و علی قاسمی اردهایی (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران، صندوق جمعیت سازمان ملل با همکاری پژوهشکده آمار و دانشکده علوم اجتماعی.

محمودیان، حسین و محمود مشفق (۱۳۸۷). بررسی تغییرات ساختار مکانی مهاجرت‌های بین‌منطقه‌ای در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۳، شماره ۶، صص ۱۱۷-۸۹.

محمودیانی، سراج‌الدین و حسین محمودیان (۱۳۹۷). زمینه‌های طرح مهاجرت خانوادگی از سوی زنان مهاجر ساکن استان تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱۳، شماره ۲۵، صص ۳۲-۹.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور، قابل دسترس در:

www.amar.org.ir

مشفق، محمود (۱۳۸۹). بررسی مهاجرت‌های داخلی ایران از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

میرزا مصطفی، سیدمهدی و پروانه قاسمی (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های استانی با استفاده از مدل جاذبه، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال ۱، شماره ۳، صص ۹۶-۷۱.

- میرزایی، محمد و علی قاسمی اردهایی (۱۳۹۴). مهاجرت داخلی زنان در ایران، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران، تهران: نشر نی.
- نسترن، مهین، فرحناز ابوالحسنی و نرجس بختیاری (۱۳۹۴). پراکنش فضایی توسعه در شهرستان‌های ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱-۱۴.
- نوراللهی، طه (۱۳۸۹). مهاجرت‌های استانی در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵)، هفته‌نامه برنامه، سال ۹، شماره ۳۷۶.
- وارثی، حمیدرضا و زهتاب سروری (۱۳۸۵). تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۹۶-۱۷۹.
- یاسوری، مجید (۱۳۸۸). بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۷، شماره ۱۲، صص ۲۰۱-۲۲۳.
- Bell, M., M. Blake, P. Boyle, O. Duke-Williams, P. Rees, J. Stillwell, & G. Hugo (2002). Cross-national comparison of internal migration: Issues and measures. *Journal of the Royal Statistical Society*, 165(3): 435-464.
- Boyd, M., & E. Grieco. (2003). *Women and migration: Incorporating gender into international migration theory*. Washington, DC: Migration Information Source. Retrieved from <http://www.migrationinformation.org/Feature/display.cfm?id=106>.
- Bunea, D. (2012). Modern gravity models of internal migration: The case of Romania. *Theoretical and Applied Economics*, 4(569): 127-144.
- Busch, O. (2007). *When have all the graduates gone? Internal cross-state migration of graduates in Germany 1984-2004*, Retrieved from <http://ssrn.com/abstract=906069>.
- Chant, S., & S. Radcliffe (1992). Migration and development: The importance of gender. In S. Chan(Ed.), *Gender and migration in developing countries*(pp.1-29). London and New York: Belhaven Press.
- Connell, J. (1984). Status or subjugation? Women, migration and development in the south pacific. *The International Migration Review*, 18(4), Special Issue: Women in Migration: 964-983.
- De Haas, H. (2005). International migration and regional development in Morocco: A review. *International of Ethnic and Migration Studies*, 35(10): 1571-1593.
- Deshingkar, P., S. Grimm (2005). *Internal migration and development: A global perspective*, Switzerland: International Organization for Migration (IOM).
- Fan, C. C. (1996). Economic opportunities and internal migration: A case study of Guangdong province, China, *Professional Geographer*, 48(1): 28-45.
- Fleury, A. (2016). *Understanding Women and Migration: A Literature Review* knomad (Global Knowledge Partnership on Migration and Development) Working, Paper 8.
- Glem, H., & J. Miller (1994). People on the move, trends and prospects in district migration flows, *Economic Review*, Federal Reserve Bank of Kansas City, 79(Q III): 39-54.

- Hadder, R. (2000). *Development geography*. London, New York: Routledge.
- Hipfel, B., A. Bister, & P. Strohmaier (2003). Youth identities along the Eastern broder of the Europe union, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 29: 835-848.
- Hugo, G. (1993). Migrant women in developing countries. *Internal Migration of Women in Developing Countries: Proceedings of the UN Expert Meeting on the Feminization of Internal Migration Aguascalientes*, Mexico, 22-25, October 1991, New York: United Nation.
- Hunter, L., M. White, & J. Little (2003). Environmental hazards, migration, and race, *Population and Environment*, 25(1): 23-39.
- Jolly, S. & H. Reeves (2005). Gender and Migration: Overview Report, BRidge Development-Gender, Institute of Development Studies, Available from the Bridge website www.bridge.ids.ac.uk/reports/CEP-Mig-OR.pdf.
- Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3(1): 47-57.
- Martin, S. (2005). *Worldsurvey on the role of women in development: women and international migration*. New York: United Nations Department of Economic and Social Affairs and Division for the Advancement of Women.
- Massey, D. S., J. Arago, G. Hugo, A. Kouaouci, A. Pellegrino, & E. J. Taylor (1993). Theories of international migration: A review and appraisal, *Population and Development Review*, 19(3): 431-466.
- Ortensi, L. E. (2015). Engendering the fertility/migration nexus: The role of women's migratory patterns in the analysis of fertility after migration, *Demographic Research*, 32(53): 1435-1468.
- Piper, N. (2003). Feminization of Labor Migration as Violence Against Women, International, Regional and Local Nongovernmental Organization Responses in Asia, Australian National University, *Violence Against Women*, 8(6):723-745.
- Piras, R. (2017). A long-run analysis of push and pull factors of internal migration in Italy. Estimation of a gravity model with human capital using homogeneous and heterogeneous approaches, *Papers in Regional Science*, 96(3): 571-602.
- Quinlan, R. J. (2005). Kinship, gender and migration from a rural caribbean community, *Migration Letters*, 2: 2-12.
- Ramirez, A. L. (2009). *Migration and family formation in Mexico: Ethnic and gender differences*, PhD dissertation, Department of Sociology, Brown University.
- Rerat, P. (2016). Migration and post-university Transition. Why do university graduates not return to their rural home region? *Geographica Helvetica*, 71(4): 271-282.
- Silvery, R. (2004). Power, difference and mobility: Feminist advances in migration studies, *Progress in Human Geography*, 28(4): 1-17.
- Sjaastad, L. A. (1962). The costs and returns of human migration, *Journal of Political Economy*, 70: 580-93.
- Stecklov, G., C. Carletto, C. Azzarri, & B. Davis (2010). Gender and migration from Albania, *Demography*, 47(4): 935-961.

- Uteng, T. P. (2012). *Gender and mobility in the developing world*. Background paper for the World Development Report 2012. The World Bank, Washington, DC.
- Weeks, J. (2012). *Population: An introduction to concepts and issues* (11th ed.). Belmont, CA: Wad worth.
- Wenk, D., & C. Hardesty (1993). The effects of rural-to-urban migration on the poverty status of youth in the 1980 s, *Rural Sociology*, 58(1): 76-96.
- Zlotnik, H. (2003). The global dimensions of female migration. Migration Information Source: *The Online Journal of the Migration Policy Institute*. Retrieved from <http://www.migrationpolicy.org/article/global-dimensions-female-migration>.

Investigating the Impact of Development on the Independent Migration of Women from Different Provinces to Tehran Using the Fuzzy Combination Method

Raheleh Zare Mehrjardi*, Majid Fouladiyan**,
Gholamreza Hassani Darmian***, Ali Ghasemi Ardahaee****

Abstract

The increase in women's inter-provincial migrations is one of the most important changes in recent decades in the migration field, which largely stems from the different development of provinces. Therefore, this research was carried out with the aim of investigating the effect of socio-economic and technological developments of the provinces on the ratio of their women's independent migration to the city of Tehran, using a quantitative and fuzzy comparative method. The study of 2006 and 2011 censuses shows that despite the increase of female immigrants to Tehran, the number of independent female immigrants to Tehran from other provinces has decreased. The results of the correlation test showed that there is a direct significant relationship between the amount of "socio-economic" and "technological" developments of the provinces with the ratio of "migration" and "independent migration" of their women to Tehran, and most of the independent female immigrants who entered to Tehran are from more developed provinces. Also, the proportion of women's independent migration to Tehran is more affected by the development of provinces than the ratio of women's migration. The results of fuzzy analysis show that both the conditions of "socio-economic" and "technological" developments have high "Consistency" and "coverage" indicators and as necessary conditions, they increase the ratio of women's independent migration. Also, the causal combination of socio-economic and technological developments with high consistency index and empirical explanatory power is a sufficient causal combination of women's independent migration to Tehran. The phase sharing of two conditions, as a sufficient condition with great theoretical and empirical strengths, has been able to explain the ratio of women's independent migration of all provinces to Tehran.

Keywords: Women's Independent Migration, Socio-economic development, Technological development, Tehran, Fuzzy logic.

* Ph. D Student in Economic Sociology and Development, Social Sciences Department, Literature and Humanities Faculty, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. E-mail: rzaremehrjardi@pnu.ac.ir

** Associate Professor, Social Sciences Department, Literature and Humanities Faculty, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (Corresponding author). E-mail: fouladiyan@um.ac.ir

*** Assistant professor of Demography, Social Sciences Department, Literature and Humanities Faculty, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. E-mail: gh-hassani@um.ac.ir

**** Associate Professor of Demography, Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: ghasemi@pnu.ac.ir